



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران  
مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله عليها) ارومیه  
تحقیق پایانی سطح ۲ (کارشناسی)

عنوان

## شیوه‌های نهادینه سازی حیا در جامعه

استاد راهنما

سرکار خانم معصومه ضربی زاده

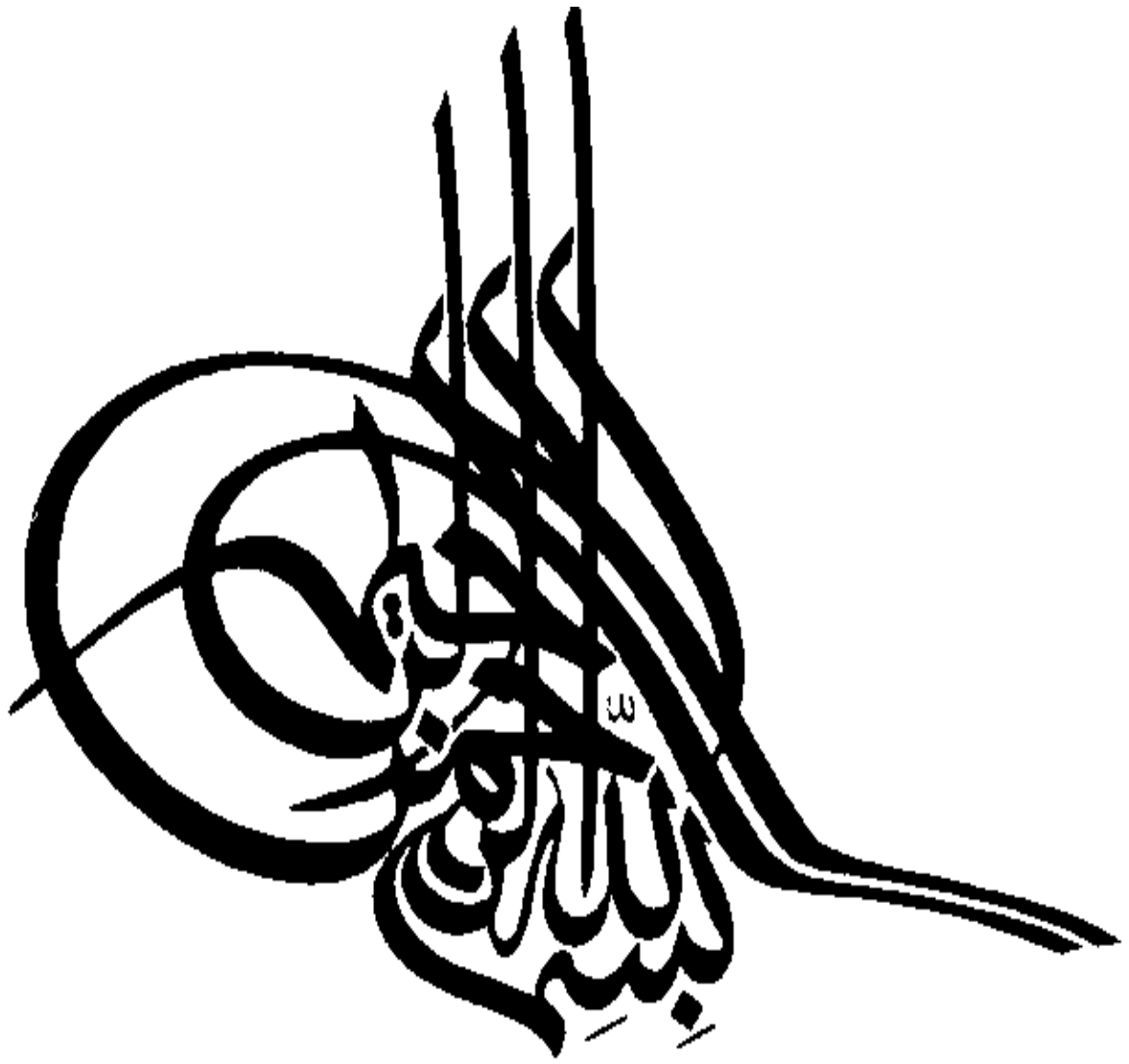
استاد داور

حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای اسم حسینی

پژوهشگر

فاطمه خیرآبادی

زمستان ۱۳۹۶





شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران  
مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها) ارومیه  
تحقیق پایانی سطح ۲ (کارشناسی)

عنوان

## شیوه‌های نهادینه سازی حیا در جامعه

استاد راهنما

سرکار خانم معصومه ضربی زاده

استاد داور

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای اسمحسینی

پژوهشگر

فاطمه خیرآبادی

زمستان ۱۳۹۶

بِسْمِ تَعَالَى

تحقیق پایانی با موضوع.....

..... که توسط سرکار خانم:

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران

موردارزیابی قرار گرفته و در تاریخ

..... / / ۱۳، با کسب رتبه.....

پذیرفته شده است.

..... استاد راهنما:

..... استاد داور:

..... مدرسه علمیه:

..... شهرستان:

امضاء مدیر و مهر مدرسه

## تحمیدیه:

سپاس خدایی را که اول است بی‌آنکه قبل او اولی باشد و آخر است بدون اینکه پس از او آخری باشد. خدایی که چشم بینایان از دیدنش ناتوان و فکر توصیف‌کنندگان از وصف او عاجز است به دست قدرتش مخلوقات را آفریده و به خواست خود آنها را صورت بخشید آنگاه آنها را در مسیر اراده خود قرار داده و در جاده محبت خویش روانه کرده است.

و سپاس خداوندی را بر آنچه از ذات پاکش به ما شناساند و شیوه‌ی سپاسگذاری را به ما الهام فرمود و با پروردگاری خود درهای دانش را بر روی ما گشود و در اخلاص‌ورزی به یگانگیش رهنمون شد. و از کفر و الحاد و تردید در کارش دور ساخت. سپاسی که با آن در میان بندگان شگرزارش زندگی کنیم و از تمام پیشتازان در جلب رضایت و بخشش او سبقت گیریم.

## تقدیم به:

تقدیم به اسوه حیا و عفت،

بانوی بانوان دو جهان

عطای خداوند سبحان،

کوثر پر بهای قرآن،

یکی از علل آفرینش عالم امکان

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها).

امید آن است که همه ما را مورد شفاعت و عنایت خود قرار دهد.

## تقدیر و تشکر:

خداوند مهربان را سپاسگذارم که به این بنده حقیر منت نهاد تا در مسیر یادگیری معارف اسلامی قرار بگیرم. امید آن است با عمل به قرآن و فرمایشات ائمه معصومین (علیه‌السلام) و با الگو گرفتن از اسوه حیا، بانوی دو عالم، حضرت زهرا بیشتر از پیش خود را به رفتارهای با حیا ملزم نمایم. انشاءالله

و همچنین تشکر و سپاس بیکران از محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر تلاش‌های محبت‌آمیزی که در دوران‌های مختلف زندگی‌ام انجام داده‌اند و با مهربانی چگونه زیستن را به من آموخته‌اند.

همسر مهربانم که در تمام طول تحصیل همراه و همگام من بوده است.

استاد فرزانه و فرهیخته که در راه کسب علم و معرفت و تدوین این تحقیق مرا یاری نمود.

آنان که در راه کسب علم و دانش راهنمایم بوده‌اند.

و آنان که نفس خیرشان و دعای روح‌پرورشان بدرقه راهم بود.

## چکیده

حیا به عنوان موهبتی الهی، از مهمترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی جامعه است که در همه ادیان آسمانی، مورد تاکید قرار گرفته است. هدف از این پژوهش، بررسی شیوه‌های نهادینه سازی حیا در جامعه است. روش این پژوهش، توصیفی- تحلیلی است که سعی نموده با محور قرار دادن آیات و روایات موجود درباره‌ی حیا، عفاف و نیز با بررسی شیوه‌های تعمیق حیا در دو بعد نظری و عملی به تحلیل و بررسی پرداخته تا به نهادینه‌سازی حیا در جامعه دست یابد. از نتایج مهم این تحقیق این است که حیا سرچشمه تمامی خوبی‌هاست. حیا در جامعه نهادینه شود سلامت و امنیت و پویایی نسل موفق را به ارمغان می‌آورد.

**کلید واژه‌ها:** حیا، عفاف، نهادینه‌سازی، تعمیق، جامعه.



## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### بخش اول: کلیات

#### فصل اول: طرحنامه

- ۱-۱- تعریف و تبیین ..... ۵
- ۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۶
- ۳-۱- اهداف و فواید تحقیق ..... ۷
- ۴-۱- پیشینه موضوع تحقیق ..... ۸
- ۵-۱- سوالهای تحقیق ..... ۱۰
- ۶-۱- روش تحقیق ..... ۱۰
- ۷-۱- مفاهیم و متغیرها ..... ۱۱
- ۸-۱- ساختار تحقیق ..... ۱۲
- ۹-۱- محدودیتها و مشکلات و موانع تحقیق ..... ۱۳

### فصل دوم: مفهوم شناسی

- ۱-۲- تعریف حیا ..... ۱۴
- ۱-۱-۱- حیا در لغت ..... ۱۴
- ۱-۱-۲- حیا در اصطلاح ..... ۱۴
- ۲-۲- تعریف جامعه ..... ۱۵
- ۳-۲- تعریف نهادینه سازی ..... ۱۶
- ۴-۲- جایگاه حیا در اسلام ..... ۱۷
- ۱-۴-۲- حیا در آیات و روایات ..... ۱۸
- ۵-۲- انواع حیا ..... ۲۳
- ۱-۵-۲- حیای نفسانی و ایمانی ..... ۲۳
- ۲-۵-۲- حیای ضعف و قوت ..... ۲۳

۲۴..... ۳-۵-۲- حیای عقل و حمق

۲۴..... ۴-۵-۲- تقسیم پنجگانه حیا

### **بخش دوم: شیوه‌های نظری و عملی تعمیق حیا**

#### **فصل اول: شیوه‌های نظری تعمیق حیا**

۲۸..... ۱-۱- ضرورت شناخت حیا

۲۹..... ۱-۱-۱- حیای چشم (نگاه) (دیدار)

۳۰..... ۱-۱-۲- حیا در گفتار

۳۰..... ۱-۱-۳- حیا در شنیدار

۳۱..... ۱-۱-۴- حیا در پوشش

۳۳..... ۱-۱-۵- حیا در پندار

۳۳..... ۱-۱-۶- حیا در کردار

۳۴..... ۲-۱- توجه به هدف آفرینش

۳۵..... ۳-۱- تقویت باورهای دینی

۳۶..... ۴-۱- تقویت ایمان

۴۰..... ۱-۴-۱- خدا باوری

۴۱..... ۲-۴-۱- معاد باوری

۴۲..... ۳-۴-۱- عمل به تکالیف

۴۳..... ۴-۴-۱- خیر خواهی

۴۴..... ۵-۴-۱- خوش خلقی

۴۵..... ۵-۱- تعقل و تفکر

#### **فصل دوم: شیوه‌های عملی تعمیق حیا**

۴۷..... ۱-۲- شیوه‌های هدایتی

۴۸..... ۱-۱-۲- تربیت

۴۹..... ۱-۱-۱-۲- رفتار در ظاهر

۴۹..... ۱-۱-۱-۱-۲- پوشیدگی کامل

- ۴۹..... ۲-۱-۱-۱-۲ ابراز حیا
- ۵۰..... **۲-۱-۱-۲ رفتار با نامحرم**
- ۵۱..... ۱-۲-۱-۱-۲ پرهیز از اختلاط زن و مرد
- ۵۲..... ۲-۲-۱-۱-۲ پرهیز از خلوت با نامحرم
- ۵۴..... ۳-۲-۱-۱-۲ وقار در رفتار و گفتار
- ۵۹..... **۳-۱-۱-۲ رفتار والدین**
- ۵۹..... ۱-۳-۱-۱-۲ رعایت حقوق والدین
- ۶۱..... ۲-۳-۱-۱-۲ اجازه گرفتن هنگام ورود به اتاق والدین
- ۶۳..... **۴-۱-۱-۲ رفتار فرزندان**
- ۶۳..... ۱-۴-۱-۱-۲ رعایت پوشش مناسب
- ۶۳..... ۲-۴-۱-۱-۲ جداسازی بستر خواب فرزندان از یکدیگر
- ۶۴..... ۳-۴-۱-۱-۲ فراهم نمودن زمینه ازدواج فرزندان
- ۶۴..... **۲-۱-۲ آموزش و پرورش**
- ۶۷..... **۳-۱-۲ تبلیغ و اطلاع رسانی**
- ۶۸..... ۱-۳-۱-۲ شیوه‌های گفتاری
- ۶۸..... ۲-۳-۱-۲ شیوه‌های نوشتاری
- ۶۹..... ۳-۳-۱-۲ شیوه‌های رفتاری
- ۶۹..... **۴-۱-۲ فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری**
- ۷۰..... **۲-۲ شیوه‌های حمایتی**
- ۷۰..... ۱-۲-۲ تشویق و تنبیه
- ۷۱..... ۲-۲-۲ حمایت مادی و معنوی از برنامه‌سازان فرهنگی
- ۷۲..... **۳-۲ شیوه‌های نظارتی**
- ۷۳..... **۱-۳-۲ حیا بر اساس ناظر**
- ۷۳..... ۱-۱-۳-۲ حیای از مردم

۷۴.....	۲-۳-۱-۲- حیای از خود .....
۷۵.....	۲-۳-۱-۳- حیای از حجت‌های خداوند .....
۷۸.....	۲-۳-۱-۴- حیای از فرشتگان .....
۸۰.....	۲-۳-۱-۵- حیای از خداوند .....
۸۴.....	<b>۲-۳-۲- نظارت بر ورودی‌های فرهنگی و هنری .....</b>
۸۵.....	<b>۲-۳-۳- نظارت بر بومی‌سازی تولید محصول فرهنگی و هنری .....</b>
۸۶.....	<b>۲-۴-۳- شیوه‌های حفاظتی .....</b>
۸۶.....	۲-۴-۱- حفاظت سازمان‌ها از جامعه در مقابل متخلفین .....
۸۷.....	۲-۴-۲- تلقین .....
۸۹.....	<b>نتیجه .....</b>
۹۰.....	<b>فهرست منابع و مآخذ .....</b>

## مقدمه

در تمام ادیان الهی روابط انسان‌ها با یکدیگر، از جمله روابط زن و مرد نامحرم، تابع حدود و ضوابطی است که چنانچه این روابط از چارچوب ضابطه‌مند خود خارج شود، آسیب‌های آن، فرد، خانواده و جامعه را درگیر خواهند نمود. بر این اساس، خالق حکیم، علاوه بر به ودیعت گذاردن حیای فطری در آدمی به عنوان یک ارزش دینی که قرین عقل و ایمان است، با ارائه توصیه‌ها و ایجاد محدودیت‌هایی میان دو جنس، به افزایش حیا در آنان کمک نموده تا از رهگذر توجه به آن و تامین سلامت جسم و روح و روان به هدف نهایی از خلقت دست یابند. بدین ترتیب، تحقیق حاضر به منظور تبیین راه‌های تعمیق حیا در خانواده و جامعه، در پی پاسخ‌دهی به این سوال است که شیوه‌های نهادینه‌سازی حیا در جامعه چگونه است؟ در ارائه پاسخ به سوال اصلی، تحقیق حاضر این فرضیه را دنبال می‌کند که از آیات و روایات برمی‌آید حیا امر فطری در وجود آدمی است؛ اما چنانچه دستورات دینی در باب تربیت جنسی، حفظ حریم میان محرم و نامحرم در خانواده و جامعه رعایت نشود، غبار حاصل از این بی‌مبالاتی و مرزشکنی، می‌تواند حیای فطری را تحت‌الشعاع قرار داده و زنگار آن، انسان عقیف را به فردی لابلالی و بی‌قید تبدیل نماید و به تدریج جامعه را به لبه پرتگاه قرار دهد. اما چنانچه توصیه‌های دینی در این باره رعایت شود، چهره کریه بی‌حیایی رخت بر بسته و سلامت اخلاقی و معنوی جامعه تضمین خواهد شد.

بدین منظور ابتدا تعاریفی از حیا و نهادینه‌سازی و جامعه و سپس جایگاه حیا در آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به شیوه‌های تعمیق حیا در دو بخش نظری و عملی پرداخته می‌شود.

در بررسی پیشینه این تحقیق علاوه بر آیات و روایات موجود در این زمینه، می‌توان به کتابهایی همچون، حیا نوشته امیرحسین بانکی‌پور فرد اشاره نمود که نویسنده به خوبی در مورد مبحث حیا مطالب جامعی را نوشته است. کتاب‌های حیا زیبایی بی‌پایان، نوشته محمد مهدی حرزاده، و حیا در اسلام از محمدعلی رسولی اراکی و جایگاه فردی و اجتماعی حیا در اسلام و ادیان دیگر از کبری ملکی سهل‌آبادی، جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی از سیده مرضیه علوی نیز اگرچه به تناسب مباحث خود به بحث حیا اشاره کرده‌اند، اما محور بحث در این آثار، بر حجاب و عفاف متمرکز است و به بحث جامعه و نهادینه‌سازی نپرداخته‌اند. همچنین از این مقالات موجود می‌توان به مقالات فرهنگ عفاف و حجاب به راه‌کارهای و نهادینه‌سازی، گسترش و حفظ باورهای دینی با رویکرد بررسی اختیارات و وظایف دولت اسلامی و الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی از محبوبه جوکار اشاره کرد. گرچه هر یک از این منابع به بررسی ابعاد عفت و حیا پرداخته‌اند، اما تنها به بعد خانواده و یا جامعه اشاره کرده یا به هیچ‌یک از این دو نپرداخته‌اند و تنها به بیان مطالب استرداسی درباره‌ی حیا بسنده کرده‌اند. از این رو هیچ‌یک از آثار نام برده شده به مبحث نهادینه‌سازی و مبحث حیا در جامعه نپرداخته‌اند. بر این اساس، جنبه

نوآوری تحقیق حاضر نسبت به آثار موجود، نگاه جامع این تحقیق (پایان نامه) به شیوه‌های نهادینه‌سازی حیا در جامعه با استفاده از آیات و روایات در دو بخش نظری و عملی است.

دشمنان اسلام در صددند با شیوه‌های گوناگون روز به روز از ارزش گوهر حیا کاسته و با ترویج بدحجابی و بی‌بندوباری اخلاقی، بیش از گذشته بر جوامع اسلامی به ویژه کشور مسلط شوند. بر این اساس، امروزه با رواج اشکال مختلفی از بدحجابی به روابط ناسالم میان دو جنس در جامعه و نیز ترویج برخی مظاهر آزادی افسار گریخته در جامعه اسلامی مان مواجهیم که این امر، ضرورت پرداختن به این موضوع را پیش از پیش نمایان می‌سازد.

**بخش اول**

**کلیات**



## فصل اول: طرحنامه

### ۱-۱- تعریف و تبیین

یکی از مهمترین راه‌های رسیدن به کمال و عزت نفس حیا است. حیا به عنوان موهبتی الهی از مهمترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی جامعه است. جامعه صحنه اجتماع انسان‌هاست. مهندسی صحیح ارتباط میان آحاد جامعه نقش بسیار مهمی در سلامت جامعه و پویایی آن خواهد داشت. یکی از عوامل مهم در تنظیم روابط اجتماعی، حیاست. ابعاد حیا گسترده است به طوری که در گفتار، دیدار، شنیدار، کردار، پندار نمود پیدا می‌کند و یکی از ابعاد حیا در بعد روابط اجتماعی افراد است؛ ولی متأسفانه امروزه شرایط کنونی جامعه در زمینه‌های گوناگون مانند رواج بی بندوباری و کم شدن عفاف و حجاب و رونق فساد و فحشا و سبب کم‌رنگ شدن مفهوم حیا شده است.

در این صورت بهترین راه برای جلوگیری از تغییر مفهوم حیا به عنوان یکی از ضرورت‌های باورهای دینی در اذهان و عملکرد جامعه نهادینه کردن فرهنگ حیا است، به طوری که نیاز به تلاش مبرم و جدی تمامی اقشار جامعه دارد.

عمق بخشیدن به باورها و گذر از آگاهی سطحی به لایه‌های زیرین حقیقت و فرهنگ را نهادینه سازی می‌گویند.

به همین خاطر برای رسیدن به نتیجه مطلوب شیوه‌ها و روش‌هایی باید ارائه گردد و با بکار بستن این شیوه‌ها به نتیجه مطلوب رسید و حال این سوال مطرح می‌شود که شیوه-

های نهادینه سازی حیا در جامعه چیست؟

این سوال ما را بران داشت تا به بررسی این موضوع بپردازم.

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از نیازهای اساسی جامعه بشری نیاز به امنیت است در سایه این نیاز مهم و ارزشمند، آدمی می‌تواند با آرامش و آسودگی خاطر در مسیر رشد و کمال در جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی حرکت کند. و چنانچه در جامعه ناامنی حاکم شد، امید هیچ‌گونه تعالی و بهبودی نمی‌توان داشت. آنچه در جامعه ناامنی ایجاد می‌کند و آرامش برهم می‌زند گناه به صورتهای گوناگون است. یکی از مهمترین راه‌هایی که در مکاتب آسمانی بویژه دین اسلام، برای ترک گناه ذکر شده، آراسته نمودن دل و جان به صفت ارزشمند حیا است. متأسفانه در جامعه امروزی بشر که جامعه ما نیز جزئی از آن است این گوهر گرانبها، اندک به بوته فراموشی سپرده شده است.

اسلام از حیا به عنوان یکی از بزرگترین سرمایه‌ها و گنجینه‌های نهفته در وجود انسان تعبیر گردیده است. پس اسلام از تمامی افراد علی‌الخصوص ملت مسلمان می‌خواهد، تا گوهر وجودی خویش را به این صفت نیکو آراسته سازد و در روابط اجتماعی و انسانی خویش را بر این اساس تنظیم نمایند.

بنابراین لازم است انسان برای شکوفایی و رشد سرمایه‌های درونی و برخورداری از جامعه سالم و پویا، نسبت به این صفت حمیده ابعاد و علی‌الخصوص جایگاه عظیم آن در مکتب اسلام تحصیل معرفت نماید.

حیا تنها دست کشیدن از برخی اعمال زشت و ناروا نیست، این صفت دائره وسیعی

از اعمال و گفتار و رفتار آدمی را در برمی گیرد چه بسا افرادی بر اثر عدم معرفت پیرامون این مقوله، گرفتار حیای مذموم و کم‌رویی گردیده‌اند.

و گروهی یگر از افراد بر اثر غفلت یا جهالت از آثار و جایگاه آن گرفتار بی‌حیایی شده، مرزهای غفلت را در نوردیده‌اند و تا مرزهای حیوانیت، پیش رفته‌اند. اما از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و به برخورداری از روابط اجتماعی نیازمند است پس بایستی به ابعاد و جلوه صحیح این موهبت الهی واقف شود و عمل کند تا بدین وسیله موجبات رشد خویش و سلامت جامعه اسلامی و انسانی خود را به عنوان عنصری از آن فراهم نماید.

### ۱-۳- اهداف و فوائد تحقیق

حیا به عنوان دستور الهی است و تاکید بسیاری در فرمایشات حضرات معصومین (علیه‌السلام) در خصوص آن شده است پس بایستی ابتدا در نهاد خانواده سپس در اجتماع فرهنگ‌سازی و نهادینه شود تا از آثار ارزشمند آن همچون روابط سالم اجتماعی، دینداری، پایبندی به حدود الهی و حجاب و پوشش صحیح، کنترل زبان و چشم، احترام متقابل به یکدیگر و رعایت حقوق انسانی و شهروندی و... برخوردار شویم.

در صورت نهادینه شدن فرهنگ حیا و استفاده صحیح و به جا و خداپسندانه از آن، گذشته از آن‌که کانون خانواده را به سعادت‌مندی و مهرورزی توأم با عواطف شایسته انسانی می‌رسانیم، زمینه شکوفایی یک جامعه سالم، پویا، سعادت‌مند و مترقی و برخوردار از علم و دانش و تعهد و تخصص را مهیا می‌نماییم.

از طریق آشنایی با این موضوع مهم و به کار بستن درست و به جای آن، همه جهانیان (علی‌الخصوص ملت‌های مسلمان و نسل جوان) می‌توانند امنیت و سلامت (روحی و روانی) را به کانون‌های خانوادگی، اجتماعیشان بازگردانده نسل موفق تربیت کرده و پیشرفت و ترقی و سازندگی را به ملت خویش به ارمغان آورند.

#### **۱-۴- پیشینه موضوع تحقیق**

در پیشینه تاریخی این موضوع از همان زمان که انسان خلق شده و جوامع ابتدائی انسان بوجود آمده، تا به امروز و تا به همیشه تاریخ بحث حیا کاملاً تازه و به روز است و کتابها و مقالات مختلفی در این زمینه تالیف شده است. تنها زمانی بحث در این باره بی‌معنی و بی‌مورد خواهد بود که دیگر موجودی به نام انسان وجود نداشته باشد. البته بدیهی است که بخاطر ویژگی‌های جوامع امروز، بحث حیا به شکلی عمیق‌تر و تخصصی‌تر مورد کنکاش قرار می‌گیرد به خلاف دوران‌های قبل که چنین عمقی نداشت.

در بررسی پیشینه‌های پژوهشی این تحقیق علاوه بر روایات موجود در این زمینه می‌توان به کتابهایی همچون (پژوهشی در فرهنگ حیا) و (غنچه‌های شرم) نوشته عباس پسندیده و کتاب (حیا) نوشته امیرحسین بانکی‌پور و کتاب (احیاء حیا) نوشته محمدعلی هدایتی اشاره نمود. این کتب مطالب جامع و کاملی در زمینه حیا را بررسی کرده بودند.

(حریم عفاف) تالیف روح الله حسینیان و (عطر عفاف) از ناهید طیبی و (مروارید عفاف) از سید حسین اسحاقی و (حریم ریحانه) نوشته علیرضا رنجبر و مریم سقلاطونی نیز اگرچه به تناسب مباحث خود به بحث حیا اشاره مختصری داشته‌اند اما محور بحث در

این آثار بر عفاف و حجاب متمرکز است.

از بین مقالات موجود می‌توان به مقالات (گسترده عفاف در زندگی) از عزت‌السادات میرخانی و (حیا و خودآرائی و نقش آن‌ها در سلامت روانی زن) از عباس رجیبی (نقش عفاف و حیا در رضایتمندی زن و شوهر) از علی حسین‌زاده و (الگوهای تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی) از محبوبه جوکار و (حیا در احیا نهاد خانواده و جامعه از منظر قرآن و حدیث) از سیدحسین حر و (مفهوم شناسی حیا و عفاف و آسیب‌ها و راه‌کارها) از زارع پور و (روش‌های تقویت حیا در دانش آموزان) جعفر طبرسی سوچلمایی اشاره کرد. گرچه هر یک از مقالات به بررسی برخی از ابعاد حیا و عفاف پرداخته‌اند، اما تنها به بعد خانواده و جامعه اشاره کرده و یا به هیچ یک از این دو نپرداخته‌اند و تنها به مطالب استطرادی درباره حیا بسنده کرده‌اند.

از بین پایان‌نامه‌های نگارش شده می‌توان به (حیا و نقش آن در اخلاق فردی و اجتماعی) از پروانه احمر و (حیا و حجاب، چرا و چگونه؟) از فاطمه گلی‌کانی و (جایگاه فردی و اجتماعی شرم و حیا در اسلام) از مریم سیدحسینی و (بررسی حیا در حریم خانواده از منظر قرآن و روایات) از منیره بیدآبادی اشاره کرد. اگرچه این پایان‌نامه‌ها حول محور حیا کار شده‌اند ولی هیچ یک از آثار نام برده شده به سبکی که مبحث پایان‌نامه مدنظر می‌خواهد بپردازد اشاره نکرده‌اند.

نگاه نسبتاً جامع این پایان‌نامه به (شیوه‌های نهادینه سازی حیا در جامعه) است.

## ۱-۵- سوال‌های تحقیق

### الف) سوال اصلی:

شیوه‌های نهادینه سازی حیا در جامعه چگونه است؟

### ب) سوالات فرعی:

- ۱- حیا چه جایگاهی در اسلام دارد؟
- ۲- شیوه‌های تعمیق حیا در جامعه چگونه است؟
- ۳- شیوه‌های نظری تعمیق حیا چگونه است؟
- ۴- شیوه‌های عملی تعمیق حیا چگونه است؟
- ۵- تقویت باورهای دینی چگونه ممکن است؟
- ۶- چگونه می‌توان ایمان را تقویت کرد؟
- ۷- شیوه‌های هدایتی در نهادینه سازی حیا چگونه است؟
- ۸- شیوه‌های حمایتی در نهادینه‌سازی حیا چگونه است؟
- ۹- شیوه‌های نظارتی در نهادینه‌سازی حیا چگونه است؟
- ۱۰- شیوه‌های حفاظتی در نهادینه سازی حیا چگونه است؟

## ۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق ما به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی است. با مراجعه به کتب اصلی و

فرعی و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها و جستجو عنوان حیا در ریز موضوعات آنها، مواد خام تحقیق

تهیه گردید و در نهایت طی فصولی چند با چینی منطقی مطالب ارائه و بررسی شده است.

پژوهش حاضر از مقدمه ۲ بخش و نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول کلیات مبحث مطرح شده که شامل دو فصل است ابتدا کلیات طرح تحقیق مطرح شده و در فصل دوم به مفهوم شناسی حیا پرداخته شده است که نقش اصلی و مهمی را در تحقیق مورد بحث دارد.

در بخش دوم که شامل دو فصل است ابتدا به بیان شیوه‌های نظری تعمیق حیا و در فصل دوم به شیوه‌های عملی تعمیق حیا می پردازیم که ابتدا شیوه‌های هدایتی برای نهادینه سازی صفت حمیده حیا بیان شده و هدف از بیان این شیوه، هدایت جامعه برای گسترش حیا و نهادینه سازی آن می باشد.

و سپس به شیوه‌های حمایتی می پردازیم که منظور از این پشتیبانی مالی و معنوی از برنامه سازان و هدایت گران جامعه و ایجاد بستری مناسب برای فعالیت هدفمند فرهنگی در عرصه دین می باشد و ادامه مبحث شیوه‌های نظارتی برای نهادینه سازی را مطرح کرده ایم و در آخر به شیوه‌های حفاظتی پرداخته ایم و در خاتمه و نتیجه گیری، ضمن بیان تاثیرات نهادینه سازی حیا در جامعه فرضیه مدنظر اثبات می شود.

## **۱-۷- مفاهیم و متغیرها**

حیا: خصلت نفسانی که برانگیزاننده نفس بر ترک عمل زشت و پرهیز از زشتی‌ها به

جهت ترس از سرزنش.

عفاف: رعایت مرزها در روابط انسانی، به گونه‌ای که احساسات و تمایلات فردی

اعم از جنسی و غیر جنسی سبب تجاوز به مرزهای اخلاقی و عدالت نشود.

نهادینه سازی: عمق بخشیدن به باورها و گذر از آگاهی سطحی به لایه‌های زیرین

حقیقت و فرهنگ.

جامعه: گروه‌های انسانی مشروط به اینکه دارای تعامل انسانی پایدار باشند.

## ۸-۱- ساختار تحقیق

بخش اول: کلیات

فصل اول: طرح نامه

فصل دوم: مفهوم شناسی

۱- تعریف حیا

۲- جایگاه حیا

۳- ماهیت حیا

۴- اقسام حیا

۵- مراتب حیا

۶- قلمرو حیا

بخش دوم: شیوه های تعمیق حیا

فصل اول: شیوه های نظری تعمیق حیا

۱- شناخت حیا

۲- هدف از افرینش

۳- تقویت باورهای دینی

۴- تقویت ایمان

۵- تعقل و تفکر

فصل دوم: شیوه های عملی تعمیق حیا

۱- شیوه های هدایتی

۲- شیوه های حمایتی

۳- شیوه های نظارتی

۴- شیوه های حفاظتی



## ۱-۹- محدودیت‌ها و مشکلات و موانع تحقیق

به جهت اینکه منابع اصلی درباره نهادینه‌سازی حیا کمیاب بودند، نگارش تحقیق به دلیل این محدودیت مشکل بود. لذا مطالعه کتابهای دیگر و استخراج مطالبی مناسب درباره موضوع جهت تکمیل طرح و رفع مشکل به طور جدی ضرورت پیدا کرد.

## فصل دوم: مفهوم شناسی

### ۲-۱- تعریف حیا

#### ۲-۱-۱- حیا در لغت

حیا در لغت عبارت است از انقباض (گرفتگی) نفس و انزوا (دوری گزینی) از کار زشت، به جهت ترس از مذمت مردم یا دگرگونی حال و انکساری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می شود، حاصل می گردد.<sup>۱</sup>

راغب اصفهانی این گرفتگی روح و نفس و ترک زشتی را به خاطر زشتی عمل می داند نه برای ترس از مذمت مردم.<sup>۲</sup>

در تعاریف اهل لغت هم ویژگی های روانی حیا دیده می شود، مانند تغییر و دگرگون شدن حال، حالت انکسار درونی، شکستگی روانی و انقباض نفس و هم کارکرد حیا که عامل بازدارنده و دوری گزینی است.<sup>۳</sup>

#### ۲-۱-۲- حیا در اصطلاح

در بین تعاریف علمای اخلاق، تعریفی را از کتاب جامع السعادات، از کتب مشهور

اخلاقی ذکر می کنیم:

---

۱ - فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، بی جا، مکتب الثقافه الاسلامیه، دوم، ۱۳۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۲ و ۶۱۱.

۲ - حسین، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعلم، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۰.

۳ - سیده مرضیه، علوی، جلوه های حیا در روابط خانوادگی، قم، نشرهاجر، چاپ اول، بهار ۹۶، ص ۱۴.

«حیا محدودیت و درتنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی. از ترس نکوهش و سرزنش است. تقوا اجتناب از گناهان شرعی است و حیا اعم از این است و عبارت است از اجتناب از آنچه عقل و عرف نیز آن را زشت و ناپسند می‌دانند.<sup>۱</sup> در تعاریف دیگری که از حیا در کتب اخلاقی ذکر شده است، از حیا به عنوان اتصاف نفسانی، انزجار از کار خلاف آداب (مثل جلوگیری از کوتاه کردن در حق دیگران) حرمت شخص مقابل و مواجهه با آنچه آن را نقص می‌دانند، یاد شده است

## ۲-۲- تعریف جامعه

از نظر لغوی واژه‌ی جامعه اسم فاعل مونث از مصدر «جمع» به معنای «گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده» می‌باشد. در عرف نیز هر موردی که بتواند برای گروهی از مردم وجهی جامع و جهت وحدتی اعتبار کرد، اطلاق لفظ جامعه بر آن رواست. از نظر اصطلاحی، جامعه عبارت است از مجموعه انسان‌هایی که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ور و روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آنها را به هم پیوند می‌دهد و هدف واحدی آنها را گرد هم آورده است.<sup>۲</sup>

---

۱ - ملامهدی، نراقی، گزیده جامع السعادات، ترجمه دکتر مجتبی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ص ۳۶۷.

۲ - سید حسین، فخر زارع، مقاله (جامعه از منظر قرآن)، پژوهش نامه معارف قرآن، دوره ۵، بهار ۹۳، ص ۹۳-۱۲۲.

## ۲-۳- تعریف نهادینه سازی

این واژه یکی از اصطلاحات علم جامعه‌شناسی است که بیشتر از آن به نهادینه شدن تعبیر می‌شود. «نهادینه شدن یک امر اجتماعی، یعنی پایه‌ای و ریشه‌ای شدن آن در متن و عمق جامعه و مقبول، تائید و به رسمیت شناخته شدن آن ارزش و مقررات توسط افراد جامعه.»<sup>۱</sup>

نهادینه کردن رفتار انسانی، در حقیقت جریانی است که انسان را از آغاز تولد در برمی‌گیرد و نیروهای او را در مسیر مجاز، می‌ریزد و هنجارهای اجتماعی را شکل می‌دهد.<sup>۲</sup> جامعه‌شناسان نهادینه شدن را نوعی فرآیند می‌دانند که طی آن اشکال منظم، بادوام و تا حد زیادی پیش‌بینی شده در کنش متقابل توسعه می‌یابد. این فرآیند با شروع پذیرش هنجارها و انتظارات نقش‌ها توسط افراد که از طریق گروه‌های متفاوت از آنها خواسته می‌شود انجام می‌گیرد.<sup>۳</sup> و برخی نیز آن را فرآیند تنظیم و الگو یافتن روش‌ها و رویه‌های مصوب جامعه تعریف کرده‌اند.<sup>۴</sup>

بر اساس این تعریف، نهادینه‌سازی حیا در جامعه به معنی اجرای جریانی است که طی آن بتوان این قاعده رفتاری را به صورت منظم و بادوام در جامعه گسترش داد، به

---

۱ - سیاوش، گلابی، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران: میترا، ۱۳۷۶، ص ۹۹.

۲ - همان.

۳ - حمید، خضرنجات، مفاهیم جامعه‌شناسی، شیراز، ۱۳۶۹، ص ۸۱

۴ - منصور، قنادان و همکاران، جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)، تهران: آوای نور، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷.

نحوی که در متن و عمق جامعه تائید شده و ارزش‌ها و مقررات مربوط به آن توسط افراد جامعه به رسمیت شناخته شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۴- جایگاه حیا در اسلام

از دیدگاه اسلام حیا در نظام تربیتی انسان از جایگاه والایی برخوردار است. در بحث انسان‌شناسی، اخلاق در درجه نخست اهمیت دارد که در بردارنده‌ی عناصر بسیاری است. در میان این مجموعه عناصر، برخی از عوامل امتیاز و برتری ویژه‌ای نسبت به دیگر عوامل دارند که اصطلاحاً مکارم اخلاق نامیده می‌شود. این مجموعه مکارم (شایستگی‌ها) عنصر یا عامل حیا در رأس همه قرار دارد. یکی از مهمترین عوامل خود نظم‌دهی که دین معرفی می‌کند، حیا است. مهار نمودن خود و تنظیم رفتارها و افکار و هیجان‌ها از ارکان بنیادین موفقیت بشر در ابعاد شخصیتی و اجتماعی است که بدون آن نمی‌توان به هدف والای انسانی دست یافت. در واقع خود نظم‌دهی به معنای مهار کردن و تنظیم نفس درونی است. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: نیکی‌های اخلاق ده تاست و در رأس آنها حیا است.

رسول گرامی اسلام، خلق و خوی اسلام را حیا معرفی کرده و فرموده است حیا همه دین است.

در روایات متعددی آمده است که اگر حیا نباشد، همه چیز جایز می‌شود.

---

۱ - مقاله روش قرآن در نهادینه سازی عفاف و حجاب، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، شماره ۴۹، پاییز ۸۹، ص ۵۵.

این موارد و موارد متعدد دیگری از این دست نشان دهنده جایگاه ممتاز این صفت در ساختار روانی انسان، حکایت‌گر اهمیت فوق‌العاده آن در موفقیت انسان است. این جایگاه ممتاز به جهت ماهیت ویژه‌ای است که حیا دارد. حیا عاملی است مهارکننده و نظم دهنده که رفتارهای روانی و فیزیکی انسان را بر اساس شرع و عرف تنظیم می‌کند. برتری این عامل بر دیگر عوامل بدین جهت است که حیا نه مبتنی بر ترس است، نه مبتنی بر طمع، بلکه مبتنی بر احترام به خود یا کرامت انسانی است. که بر اساس آن، وقتی فرد خود را در حضور شخصیت کریم بیابد، از ارتکاب زشتی‌ها خودداری و رفتار خود را تنظیم می‌کند. انسان به میزان کرامتی که از آن برخوردار است. شرم دارد که به زشتی‌ها آلوده شود و یا از زیبایی‌ها محروم گردد پس حیا می‌تواند در رأس نظام مهارکننده و نظم دهنده انسان قرار گیرد.

و شاید به همین جهت باشد که خداوند متعال پیش از آن‌که مردم را ترس از خود فراخواند، به حیا فراخواند و فرموده است: «الْمَ يَعْلَمُ بِأَنِّ ال... يَرَى» آیا انسان نمی‌بیند که خداوند او را می‌بیند.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۱- حیا در آیات و روایات

روایات درباره شرم و حیا دو رویکرد دارند.

الف) دسته‌ای از روایات، به نظارت خداوند می‌پردازند و جهان را در محضر خداوند

معرفی می‌کنند و مردم را به حیا کردن از خداوند، فرا می‌خوانند.

---

۱ - سوره علق (۹۶)، آیه ۱۴.

۲ - جایگاه حیا در اسلام، سه شنبه، آذرماه ۸۶ (اسلام و نظام تربیتی انسان)، Parsiblog.com، ۲۳۴. bahar

ب) دسته‌ای دیگر مردم را به حضور و نظارت فرشتگان توجه می‌دهند و آنان را به حیا فرا می‌خوانند در این‌جا به برخی از آیات و روایات در دو دسته اشاره می‌شود.

### – دسته اول

در بررسی آیات قرآن به داستان حضرت یوسف و آیه ۹۶ سوره علق اشاره می‌کنیم.

#### الف) داستان حضرت یوسف:

قرآن مجید هنگام طرح داستان خلوت کردن زلیخا با حضرت یوسف (علیه‌السلام)، در بیان امتناع حضرت یوسف می‌فرماید: آن زن قصد او کرد؛ و او (یوسف) نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید، قصد وی می‌نمود.<sup>۱</sup>

در این آیه شریفه، از «برهان پروردگار» به عنوان عامل بازدارندگی از گناه اشاره شده است. امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در تفسیر «برهان پروردگار» می‌فرماید: زن عزیز مصر به سوی تب رفت و پارچه‌ای بر روی آن انداخت. یوسف از او پرسید: «برای چه این کار را کردی؟» پاسخ داد: شرم دارم از این که این تب، ما را ببیند! در این هنگام، یوسف به وی گفت: آیا شرم می‌کنی از چیزی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه می‌فهمد و نه می‌خورد و نه می‌نوشد؛ ولی من شرم نکنم از کسی که بشر را آفریده و او را دانش آموخته است؟! این، معنای سخن خداوند است که می‌فرماید: «اگر برهان پروردگارش را ندیده بود.»<sup>۲</sup>

---

۱ - یوسف (۱۲)، آیه ۲۴.

۲ - شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۱، تهران: انتشارات نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق، ص ۴۹.

آنچه باعث حیای زلیخا شد به ناظر بودن تب بود، هر چند نظارت او بر اعمال بشر، خیال باطل است و آنچه مایه شرم حضرت یوسف (علیه السلام) شد، این بود که خداوند، آگاه و ناظر بر اعمال بشر است.

### **(ب) نظاره کردن خدا**

با توجه به تحلیل ماهیت و معنای حیا، آیه شریفه «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ... يَرَى»<sup>۱</sup> مگر ندانسته که قطعاً خداوند همه کارهایش را می بیند؟ با موضوع حیا رابطه تنگاتنگ و بیانگر آن است، بدون این که از واژه‌ی حیا استفاده شده باشد.

در آغاز رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگامی که ایشان مورد آزار یکی از مشرکان قریش قرار گرفتند خداوند، وی را به حیا فراخواند و فرمود که آیا نمی داند که خدا او را می بیند؟!<sup>۲ و ۳</sup>

### **(ج) روایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)**

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «شرم کنید امروز از این که خداوند از تمام امور شما آگاه است.»<sup>۴</sup>

### **(د) روایت امام علی (علیه السلام)**

---

۱ - سوره علق (۹۶)، آیه ۱۴.

۲ - علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر القمی، ج ۲، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۳ - ابوجعفر محمد بن حریر، طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۴.

۴ - محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۳.



امام علی (علیه السلام) می فرماید: «از خدایی پروا داشته باشید که در دید او هستید و زمام شما به دست اوست و حرکات شما در اختیار او است؛ اگر پنهان سازید، آگاه است و اگر آشکار سازید، می نگارد. برای این کار نگهبانان و مراقبان ارجمندی قرار داده که هیچ حقی را فرو نمی گذارند و هیچ چیزی را به باطل ثبت نمی کنند.<sup>۱</sup>

#### **(ه) روایت امام زین العابدین (علیه السلام)**

می فرماید: از خداوند متعال بترس، چون بر تو قدرت دارد، و از او شرم کن، چون به تو نزدیک است.<sup>۲</sup>

#### **(و) روایت امام باقر (علیه السلام)**

می فرماید: «از خدا شرم کن، به آن اندازه که به تو نزدیک است و از او بترس، به اندازه ای که بر تو قدرت دارد.»<sup>۳</sup>

#### **(د) روایت امام صادق (علیه السلام)**

می فرماید: «بدان که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می بیند، هر چند تو او را نمی بینی.»<sup>۴</sup>

### **- دسته دوم -**

امام صادق (علیه السلام) با اشاره به نظارت فرشتگان بر اعمال آدمی می فرماید: «هر کسی که در خلوت، زمینه گناه برایش فراهم شود و خداوند متعال را مراقب خود بداند و

---

۱ - محمدبن حسین، سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳، ص ۴۱۴.

۲ - حسین بن محمد، حلوانی، نزه الناظر و تنبیه الخاطر، قم: مدرسه الامام المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ص ۸۹.

۳ - همان، ص ۱۱۰.

۴ - شیخ صدوق، الامالی، قم، موسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ص ۵۸۹.

از فرشتگان نگهبان، حیا کند، خداوند همه گناهان او را می‌آمرزد، هر چند به اندازه گناهان جن و انس باشد.<sup>۱</sup>

همچنین از دیدگاه امام صادق (علیه‌السلام) اساساً فلسفه ناظر قرار دادن فرشتگان، همین است که مردم با توجه به وجود و حضور آنان دست از گناه بردارند.<sup>۲</sup>

#### - جمع‌بندی از این دسته احادیث

۱. توجه به دیدن خداوند و درک حضور او، حیا را برمی‌انگیزد. در حقیقت، خداوند پیش از آن که مردم را به ترس فراخوانند، به حیا فرا خوانده است و این جایگاه و اهمیت حیا را در نظام تربیتی اسلامی می‌رساند.

۲. در این احادیث، به دو صفت از صفات خداوند اشاره شده است: یکی قدرت خداوند و دیگری نزدیکی خداوند، که نشان از آگاهی و اطلاع خداوند از رفتار بشر دارد. آن‌گاه قدرت، عامل ترس دانسته شده و نزدیک بودن و اطلاع خداوند، عامل حیا و شرم. بنابراین، عامل برانگیختن ترس، توجه به قدرت خداوند است و عامل برانگیختن حیا، آگاهی و نظارت خداوند.

۳. از دیدگاه روایات، فصل مقوم و وجه تمایز حیا از دیگر بازدارنده‌ها، عنصر «نظارت» است؛ یعنی آنچه حیا را برمی‌انگیزد، حضور و نظارت ناظر است. معمولاً رفتار انسان در جمع، با رفتار او در خلوت تفاوت دارد. تفاوت در خلوت و جلوت به جهت تفاوت در حضور و عدم حضور است. آن‌جا که تنها باشد و حضور هیچ‌کس را حس نکند

---

۱ - شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ص ۴۱۱.

۲ - محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۲۳.

و هیچ چشمی را ناظر رفتار خود نداند، کارهایی را به راحتی انجام می‌دهد که ممکن است در حضور دیگران، حاضر به انجام دادن آن نباشد اگر در تنهایی و خلوت خود، آماده انجام دادن کاری شده باشد که به نظر نادرست می‌آید و ناگهان متوجه شود کسی وارد شده و ناظری وجود دارد، دست از آن کار می‌کشد، یا اگر بعداً بفهمد کسی ناظر اعمال او بوده است، سرافکنده می‌شود و عرق شرم بر پیشانی او می‌نشیند.<sup>۱</sup>

## ۲-۵- انواع حیا

برای روشن‌تر شدن مفهوم حیا بهتر است انواع حیا را بشناسیم. از جهات مختلف برای حیا انواعی ذکر کرده‌اند که به چهار نمونه اشاره می‌شود.

### ۲-۵-۱- حیای نفسانی و ایمانی

حیای نفسانی شرمی است که خداوند آن را در همه نفوس قرار داده است؛ مانند شرم از کشف عورت و جماع بین مردم.

حیای ایمانی شرمی است که مؤمن را از ارتکاب معاصی از ترس خدا باز می‌دارد.<sup>۲</sup>

### ۲-۵-۲- حیای ضعف و قوت

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «حیا بر دو وجه است؛ یک قسم آن از روی ضعف و ناتوانی است و قسم دیگرش روی قوت و توانایی است که این قسم مطابق اسلام و ایمان است».<sup>۱</sup>

---

۱ - دانشنامه حوزوی ویکی فقه، برگرفته از مقاله «حیا از منظر آیات و روایات». [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir)

۲ - لغت نامه دهخدا، ج ۱۸، ص ۸۴۳

حضرت علی (علیه السلام) ضمن بیان آفات هر چیزی آفت حیا را ضعف و ناتوانی

معرفی کردند.<sup>۲</sup>

### ۲-۵-۳- حیای عقل و حمق

حیا دو نوع است. نوعی از روی خرد و نوع دیگر از روی نابخردی است. حیای عقل

همان دانشی است که انسان بر اساس آگاهی، حیا می‌کند و حیای نابخردانه همان جهلی

است که فرد از روی جهالت حیا می‌کند.<sup>۳</sup>

تفاوت جاهل و عاقل در این امر است که جاهل تا چیزی را می‌آموزد به دنبال بیان و

روایت کردن آن است؛ ولی عاقل تا چیزی را فرا می‌گیرد، به دنبال رعایت کردن آن است تا

بقیه نیز بهره ببرند. «حضرت علی (علیه السلام) توصیه می‌کنند: «هرگاه چیزی را شنیدید، در

اندیشه‌ی رعایت آن باشید، نه به فکر روایت و نقل آن، زیرا روایت کنندگان علم بسیارند و

رعایت کنندگان آن اندک.»<sup>۴</sup>

### ۲-۵-۴- تقسیم پنجگانه حیا

حضرت صادق (علیه السلام) در مصباح الشریعه حیا را پنج‌گونه می‌دانند.

---

۱ - محمدبن علی بن حسین، صدوق، خصال، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ص ۵۵.

۲ - علی بن حسام، متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوه السقاء، چهارم، ج ۱۶، ۱۳۶۵ش، ص ۲۰۴.

۳ - محمد بن یعقوب، کلینی، تصحیح، علی اکبر غفاری صفت، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۶.

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۹۸.

«حیا از گناه، حیا از کوتاهی، حیا از روی کرامت و بزرگواری، حیای محبت و دوستی و حیای هیبت و عظمت که هر یک اهلی دارد و هر گروه درجه‌ی جداگانه‌ای دارند.»<sup>۱</sup>

در این روایت به زیبایی مراقب حیا ذکر می‌گردد. انسان‌ها در مرتبه اول به خاطر گناهایی که مرتکب می‌شوند، در برابر خداوند حیا می‌کنند. کم‌کم که انسان توانست بر اثر این حیا ملکه عدالت را در خود راسخ کند و به مرز عصمت نزدیک شود، دیگر گناه نمی‌کند؛ ولی به خاطر کوتاهی‌هایی که در اعمال و حالات خود می‌بیند، از خدا حیا می‌کند. در مرحله بعد پس از حداکثر جهد و تلاش در عبودیت، بر اثر بزرگواری‌هایی که خداوند نسبت به انسان کرده است، آن‌چنان که امتی به او دست می‌دهد که منشأ حیای او نسبت به صاحب کرامت می‌شود؛ انسان در این مرحله وارد وادی حب و محبت می‌شود و شدت علاقه به محبوب، خوف مقامی در دل او ایجاد می‌کند که منشأ حیا می‌شود و در نهایت مصیبت الهی آن‌چنان او را می‌گیرد که حیای او حاصل این هیبت می‌شود. پس در تمامی مراحل، حیا هست، ولی منشأ آن نسبت به هر مرحله تفاوت دارد و بالتبع، خود حیا و آداب و آثار آن متفاوت می‌گردد.<sup>۲</sup>

گذشته از مبحث بیان شده در مطالب فوق، منظور ما در این تحقیق حیایی است که ما را از ارتکاب معاصی باز دارد و یا به انجام افعال نیک وادارد و این حیا برخاسته از ایمان

---

۱ - منسوب به امام جعفر صادق (علیه‌السلام)، شرح: عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸۹.

۲ - امیرحسین بانکی پورفرد، حیا، اصفهان، حدیث راه عشق، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۴، ص ۱۷.

باشد یا عقل یا قوت فرقی ندارد. در واقع نفس عمل مهم است و راه‌های تعمیق حیا عامل

اصلی رسیدن به این منظور است.

**بخش دوم**

**شیوه‌های نظری و عملی تعمیق حیا**

## فصل اول: شیوه‌های نظری تعمیق حیا

نهادینه‌سازی یعنی عمق بخشیدن به باورها و گذر از آگاهی سطحی به لایه‌های زیرین حقیقت و فرهنگ بررسی موشکافانه فلسفه و علت هر حکم و پدیده و تطبیق آن با موردهای مشابه ناقص و تبیین نقش و جایگاه آن در زندگی بشری، پس از در نظر گرفتن احتمال‌های متعدد درباره‌ی عدم آن پدیده موجب نهادینه سازی آن می‌شود. در این مرحله، بهره‌مندی از مؤثرترین و کارآمدترین ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی شناخت مخاطب از جنبه‌های گوناگون و ایجاد ارتباط صمیمانه از فراگیرندگان ضروری است. بهترین روش در نهادینه سازی حیا، تبیین شیوه‌های نظری و عملی است تا با شناخت صحیح حیا و عمق بخشیدن آن در جامعه به هدف نهادینه سازی رسیده باشیم.

### ۱-۱- ضرورت شناخت حیا

رشد و تعالی اعتقادات و باورهای دینی محصول شناخت صحیح و آگاهانه از معارف و حقایق دینی است، هر چه انسان بتواند مطالعات دینی خود را بالا برده و با برهان و استدلال عقلی و آیات و روایات موجود، اصول دین را برای خود اثبات نماید. به همان میزان احتمال انحراف او در عمل کاهش خواهد یافت. لذا لازم است انسان قبل از ورود به وادی عمل و طی مسیر، شناخت جامع و کاملی از راه داشته باشد تا موانع بر سر راه را به راحتی پشت سر گذاشته و به مقصود برسد.<sup>۱</sup>

---

۱ - راه تقویت باورهای دینی، سایت پرسمان دانشجو، [akhlagh.porseman.ir/content](http://akhlagh.porseman.ir/content)



ابتدا ضروری‌ترین و مهم‌ترین راه برای تعمیق حیا، درک ضرورت نهادینه‌سازی و شناخت صحیح حیا است. اگر شناخت صحیح صورت نگیرد نهادینه‌سازی معنایی ندارد. بدین منظور ابتدا حیا گستره‌ی زیادی دارد و برای شناخت صحیح آن ابتدا باید او را با مفهوم کلی حیا (مصادیق عینی و خارجی) که دارد آشنا کرد. تعدادی از مصادیق و نمودهای حیا را برمی‌شمریم تا با عمل کردن به این روش‌ها به تحقق حیا رسیده باشیم.

### ۱-۱-۱- حیا چشم (نگاه) (دیدار)

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الحیاء غض الطرف: شرم، چشم فرو بستن است.»<sup>۱</sup> حیا چشم یعنی شخص از دیدن آنچه دیدنش زشت است چشم ببندد و به عبارت دیگر از نگاه حرام بپرهیزد. البته حیا چشم معنای دیگری نیز دارد که به «ارتباط میان چشم و حیا» مربوط می‌شود. همه ما تجربه کرده‌ایم در بسیاری از مواقع خیره شدن به چشم‌های دیگران برایمان سخت است. یا دیده‌ایم شخص برای آنکه راستگویی دیگری را محک بزند می‌گوید به چشم من نگاه کن و حرف بزن. در قضیه معروف شب عاشورا امام حسین (علیه‌السلام) به همراهان خود فرمود: از تاریکی شب استفاده کنید و بروید. سر را هم پایین انداخت که تلافی نگاه‌ها موجب حیا آنان شود.<sup>۲</sup> این امر بیانگر ارتباط میان

---

۱ - محمد مهدی، ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث الطبعه الاولی، التنقیح الثانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، حدیث ۴۵۶۱، ص ۵۶۴.

۲ - مرتضی، مطهری، حماسه حسینی، قم: صدرا، چاپ بیست و هفتم، ج ۲، ۱۳۷۶، ص ۵۶.

چشم و حیا است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «فان ا.. جعل الحياء فى العينين» به

درستی که خدا حیا را در چشم‌ها قرار داده.<sup>۲۱</sup>

### ۱-۱-۲- حیا در گفتار

حیای در گفتار دو بعد دارد: یکی محتوای سخن و دیگری حالت سخن. هر زن و مردی که از سخنان رکیک پرهیز کند (چه در دشنام و چه در بیان جمله‌ها و خواندن اشعار و ترانه‌های خلاف عفت) از حیا در گفتار برخوردار است.

خداوند در قرآن درباره‌ی زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید:

«... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَظَنَّ قَوْلًا مَعْرُوفًا» پس به ناز سخن

نگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته بگوید.<sup>۲۳</sup>

### ۱-۱-۳- حیا در شنیدار

حیا در شنیدن، از ظرافت و لطافت بیشتری نسبت به حیا در گفتار برخوردار است. اگر شما در شرایطی قرار بگیرید که حدود حیا در آن محترم شمره نشود، چه عکس‌العملی نشان خواهید داد؟ رنگ چهره‌ی شما تغییر می‌کند؟ سخن دیگری را به میان می‌کشید؟ تذکر می‌دهید؟ یا به پا می‌خیزید و جلسه را ترک می‌کنید؟ این عکس‌العمل پیامد چیست؟

---

۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت احیاء التراث، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۰  
۲ - محمد مهدی، حرازه، حیا زیبایی بی‌پایان، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی، نشر شفق، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳.  
۳ - احزاب، آیه ۳۲.  
۴ - حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۱۸۴.

اگر پاسخ چنین باشد که من از شنیدن این سخنان به عنوان یک شنونده شرمسارم، چنین حالتی حیا در شنیدن نامیده می‌شود.

انسان باید به گونه‌ای رفتار نماید که دیگران در حضور او جانب حیا وقار را پیش بگیرد و هر سخنی را به زبان جاری نسازند. باید بدانیم که انسان هر گاه با کسی صمیمی می‌شود، حق محبت کردن از هر دری را با او را ندارد و پرده‌های حیا را یکی پس از دیگری بدرد؛ چرا که دوستی‌های بسیاری در اثر این تندروی‌ها به ورطه‌ی جدایی و نابودی کشیده شده است. بزرگان دین پیوسته به گونه‌ای رفتار می‌کرده‌اند که در حضورشان کسی نه از ترس بلکه از شرم حضور، مرتکب گناهی نمی‌گردیده و هر سخنی را بر زبان جاری نمی‌ساخته است.

رعایت حیا در گفتار و شنیدار می‌تواند حل بسیاری از معضلات و چالش‌های اجتماعی را که امروزه دنیای غرب و شرق را آکنده است، حل کند.

### **۱-۱-۴- حیا در پوشش**

یکی از جلوه‌های بارز حیا، نوع و اصل پوشش انسان می‌باشد. در بین حیوانات پوشش موضوعیت ندارد. انسان است که به خاطر حیا خود را می‌پوشاند. حتی اگر در محیطی انسان دیگری باشد، او حداقل پوشش را رعایت می‌کند. از رسول خدا (صلی‌الله- علیه‌وآله‌وسلم) پرسیدند؛ آیا در تنهایی می‌توانیم کشف عورت کنیم؟ حضرت جواب داد:

«خداوند بیش از مردم سزاوار است که از او شرم شود.»<sup>۱</sup> و در جاهای مختلف می‌فرمودند:

«خداوند شما را از عریان شدن بازداشته است،<sup>۲</sup> لذا از عریان شدن بپرهیزید.»<sup>۳</sup>

این پوشش محدود به فرد نیست بلکه برای خانه هم هست. حضرت عیسی (علیه السلام) پوشیدگی خانه‌ها را نشانه حیا می‌دانند و می‌گویند: «هرگاه یکی از شما در خانه خود نشسته است، پرده‌ی آن را بیافکند، زیرا خداوند تبارک و تعالی حیا را تقسیم کرده، همان‌گونه که روزی را تقسیم کرده است.»<sup>۴</sup>

لذا لازم است تذکر مهمی را به جوانان عزیز بدهیم که حتی خلوت، در اتاق خود و یا در بستر خواب از عریان شدن بپرهیزید، چرا که در این حالت شیاطین و اجنبه میل به شما پیدا می‌کنند و موردی تجربه شده است که زمینه رابطه عاطفی و غیرمعمول با انسان پیدا کرده‌اند و فرد دچار اختلالات روانی شده است: در حالی که خود جوان و چه بسا مشاوران و روانشناسان هم متوجه اصل قضیه نمی‌شوند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وقتی کسی عریان شود، شیطان به او نظر می‌اندازد و در او طمع می‌کند، پس خود را بپوشانید.»<sup>۵</sup> رفاقت شیاطین و اجنبه با انسان، در قرآن هم گوشزد شده است. «آن کس که شیطان همنشین او باشد، پس چه بد همنشینی است.»<sup>۶</sup>

---

۱ - محمد بن یزید، قزوینی، سنن ابن ماجه، ۱، ج تحقیق: محمد نواد عبدالباقی، بیروت: دارالحیاء التراث، ۱۳۹۵ق، ص ۶۱۸.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۲۰۰.

۳ - ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: داراحیاء التراث، ج ۵، ص ۱۰۴.

۴ - حمیدی قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناء، تهران: انتشارات کتابخانه نینوا، بی‌تا، ص ۲۲.

۵ - محمد بن حسن، طوسی، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ج ۱، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش، ص ۳۷۳.

۶ - نساء (۴)، آیه ۳۸.

### ۱-۱-۵-حیا در پندار

حال اگر کسی خواست حق حیا را به جا بیاورد چه باید بکند؟

در جواب این سؤال بهتر است به گنجینه‌های علم پرفضیلت اهل بیت (علیه‌السلام) مراجعه کنیم. امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کنند که پیامبر می‌فرمودند: «در مقابل خداوند حق حیا را به جا آورید. گفتند: ای پیامبر خدا چه کنیم؟ فرمودند: «اگر کسی بخواهد حق حیا را به جا آورد، نباید به بستر خواب رود مگر این که مرگ را بین دو چشمش ببیند و باید سر و اندیشه‌های درون آن و شکم و آنچه را در آن می‌ریزد مواظبت نماید و به یاد قبر و پوسیدن بدن در آن باشد و کسی که به دنبال آخرت است، باید زینت‌های زندگی دنیا را رها کند.»<sup>۲</sup>

### ۱-۱-۶-حیا در کردار

ائمه حتی مخالفین خود را به حیا وادار می‌کردند. روزی امام حسن (علیه‌السلام) نزد معاویه رفتند، در حالی که لم داده بود به ایشان گفت: آیا تو تعجب نکردی که عایشه زیربار خلافت من نرفت؟ امام حسن (علیه‌السلام) فرمود: «من تعجب کرده‌ام از این که من آمده‌ام و تو این‌گونه لم داده‌ای. معاویه حیا کرد و خود را جمع و جور نمود.»<sup>۳</sup>

مهمترین جلوه‌ی حیا در کردار، ترک گناه است؛ حتی گناهان کوچک. در صورتی که انسان متوجه نعمت‌های خدا باشد یا خود را در محضر خدا ببیند یا اندک محبتی در دلش

---

۱ - حیا، ص ۶۴.

۲ - یقرب الاسناء، ص ۱۳. خصال، ص ۲۹۳.

۳ - بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۰۵.

از خدا داشته باشد، حیا باعث می‌شود گناهی انجام ندهد. حضرت یونس (علیه‌السلام) بعد از خارج شدن از شکم نهنگ، به خاطر ترک اولایی که انجام داده بود، از روبرو شدن با مردم حیا کرد.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «حیا کن و هیچ‌گناهی را کوچک مشمار؛ چراکه روزی به تو ضرر خواهد رساند.»<sup>۲</sup>

## ۱-۲- توجه به هدف آفرینش

بین تقویت و تعمیق حیا و دست‌یابی به هدف آفرینش انسان، رابطه تنگاتنگی وجود دارد، زیرا هدف از آفرینش انسان نیل به سعادت اخروی و کمال نهایی است که در سایه پاکدامنی و دوری از ارتکاب معاصی محقق می‌شود و هر قدر حیای انسان بیشتر شود، در نتیجه میزان کناره‌گیری از گناه و نیافتادن در دام شیطان بیشتر می‌شود، در نتیجه به هدف آفرینش نزدیک‌تر شده است. اما با ضعف حیا در وجود آدمی، شیطان قدرت می‌یابد و انسان را به پیروی از شهوت فرامی‌خواند و او را از هدف آفرینش دور می‌کند و به فرموده قرآن کریم: «وَلَاتَتَّبِعُوا خُطُوَاتُ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ - إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۳</sup> و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ چه اینکه او دشمن

---

۱ - بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۳.

۲ - همان، ج ۶۸، ص ۱۸۴.

۳ - بقره (۲)، آیات/۱۶۸-۱۶۹.

آشکار شماسست. او شما را فقط به بدی‌ها و انحرافات فرمان می‌دهد و (نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.

جمله «خطوات الشیطان» (گام‌های شیطان) گویا اشاره به یک مسئله دقیق‌تری دارد و آن اینکه انحرافات و تبهکاری‌ها غالباً به طور تدریج در انسان نفوذ می‌کند، نه به صورت دفعی و فوری... و سوسه‌های شیطان معمولاً به همین صورت است؛ انسان را قدم به قدم و تدریجاً در پشت سر خود به سوی پرتگاه می‌کشاند. این موضوع منحصر به شیطان اصلی نیست، تمام دستگاه‌های شیطانی و آلوده برای پیاده کردن نقشه‌های شوم خود از همین روش، خطوات «گام به گام» استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

عواملی همچون عدم شناخت صحیح و ضعف ایمان و عدم تفکر و تعقل در زمان‌ها و مکان‌های مربوط، به تدریج زمینه و سوسه‌های شیطان و سوق دادن انسان در امور خلاف عقل و شرع را فراهم می‌کند و حیا را در وجود انسان کم رنگ و نابود می‌کند.<sup>۲</sup>

### ۱-۳- تقویت باورهای دینی

اولین گام و حرکت اصولی در گسترش فرهنگ حیا و نهادینه‌سازی آن، آشنایی کامل با دین و تقویت اعتقادات اسلامی در بین افراد جامعه است. انسان برای اینکه بتواند به اعتقاداتش پایبند باشد و به ارتقاء آنها پردازد لازم است که ایمان و دین خود را در ابعاد

---

۱ - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۵۷۲.  
۲ - محبوبه جوکار، الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی، نشریه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۶، خرداد ۱۳۸۵-۸۵.

شناختی، رفتاری، عاطفی، انگیزشی تقویت نماید. البته این ابعاد به نحوی با یکدیگر مرتبط بوده و با هم تعامل دارند. مثلا هر چه شناخت انسان به خدا و دین قوی باشد، انگیزه انسان تقویت شده و رفتارهای مثبت بیشتری انجام دهد زمینه رشد شناختی و انگیزش او نیز بالا می‌رود. از سوی دیگر عواطف مثبت انسان نیز می‌تواند در افزایش انگیزه و در نتیجه استمرار رفتارهای دینی تاثیر گذاشته و باعث گردد انسان، سرعت بیشتری در طی مسیر معنوی و ارتقاء باورهای دینی داشته باشد. بدین منظور ابتدا انسان باید شناخت صحیحی از حیا داشته باشد تا بتواند با تقویت باورهای دینی این صفت زیبا را در درون خودش نهادینه کند.

#### ۱-۴- تقویت ایمان

از لازمه‌های دیگر تقویت باورهای دینی، تقویت ایمان است که رابطه تنگاتنگی با هم دارند.

شرم از اثر عقل و اصل دین است                      دین نیست تو را اگر حیا نیست (ناصرخسرو)

یکی از عوامل مهم تقویت حیا و شکوفا شدن این روحیه در انسان «ایمان» است. با ملاحظه متون دینی این نتیجه به خوبی به دست می‌آید که رابطه مستحکمی میان حیا و ایمان وجود دارد. برای بررسی این رابطه احادیث مربوط را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) احادیثی که حیا و ایمان را متلازم و همراه یکدیگر می‌دانند.

ب) احادیثی که حیا را معلول و نتیجه ایمان می‌دانند.

ج) احادیثی که حیا را عین ایمان می‌دانند.



و اما تفضیل هر یک از این سه دسته بر این قرار است.

الف) احادیثی که حیا را ملازم و همراه ایمان می دانند:

این دسته از احادیث ایمان و حیا را لازم و ملزوم هم می دانند و به نوع رابطه آنها که

رابطه علت و معلولی است یا عین یکدیگرند اشاره ای ندارد.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ، فَذَاتُ ذَهَبٍ أَحَدُهُمَا

تَبَعُهُ صَاحِبُهُ» حیا و ایمان به هم پیوسته اند هر گاه یکی از آنها برود دیگری هم از پی آن می -

رود. ۱.

همچنین امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ: إِيْمَانٌ لَا يَدْرُدُ كَسِيًّا كَمَا لَا يَدْرُدُ» ۲

امام حسن (علیه السلام) نیز می فرماید: «لَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ» حیا ندارد کسی که دین

ندارد. ۳.

ب) احادیثی که حیا را نتیجه ایمان می دانند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «كَثْرَةُ حَيَاءِ الرَّجُلِ دَلِيلٌ عَلَى إِيمَانِهِ: حَيَاءٌ زِيَادٌ مَرْدٌ

نشان ایمان اوست.» ۴

---

۱ - محمد مهدی، ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث، الطبعه الاولى، التنقیح الثانی، ج ۲، ۱۴۱۶ق، ص ۵۶۵. حدیث ۴۵۶۵، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷.

محمد، محمدی ری شهری، دارالحدیث، الطبعه الاولى، التنقیح الثانی، ۱۴۱۶ه.ق.

۲ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۵، حدیث ۴۵۷، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱.

۳ - همان، ج ۲، ص ۵۶۵، حدیث ۴۵۶۹، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۰.

۴ - همان، ج ۲، ص ۵۶۵، حدیث ۴۵۶۸، به نقل از غررالحکم.

امام موسی کاظم (علیه السلام) می فرمایند: «الحیاء من الايمان، حیا ناشی از ایمان

است»<sup>۱</sup>.

امام صادق (علیه السلام) نیز در حدیثی دیگر حیا را ناشی از ایمان معرفی می کند.<sup>۲</sup>

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «الايمان شجرة... نورها الحياء...» ایمان درختی

است... شکوفه اش حیاست.<sup>۳</sup>

و نیز آن حضرت می فرمایند:

«حیاء الرجل من نفسه ثمرة الايمان» شرم داشتن مرد از خود، میوه ایمان است.<sup>۴</sup>

ج) احادیثی که حیا را همان ایمان می دانند.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند:

«الحیاء هو الدین كله» حیا همان دین است به تمامی.<sup>۵</sup>

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

«لا ایمان كالحیاء والسفاء» ایمانی چون حیا و بخشندگی نیست.<sup>۶</sup>

امام صادق (علیه السلام) نیز در ضمن حدیثی حیای مثبت را همان اسلام و ایمان

معرفی می کنند.<sup>۱</sup>

---

۱ - همان، ج ۲، ص ۵۶۴، حدیث ۴۵۶۳، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۹.

۲ - همان، ج ۲، ص ۵۶۵، حدیث ۴۶۵۴، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۳.

۳ - همان، ج ۱، ص ۳۰۱، حدیث ۱۲۵۱، به نقل از غررالحکم.

۴ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۹، حدیث ۴۵۹۹، به نقل از غررالحکم.

۵ - کنز العمال، ج ۳، ص ۱۱۹، حدیث ۵۷۶۱.

۶ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۵، به نقل از غررالحکم.

با توجه به احادیث گهرباری که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت نقل شد، تاثیر قطعی ایمان بر شکوفا شدن روحیه حیا و افزایش آن به خوبی به دست می آید. اما برای آنکه موضوع روشن تر شود مقداری در مورد رابطه حیا و ایمان و این که چرا گاهی حیا نتیجه ایمان و گاهی عین ایمان معرفی شده است، سخن می گوئیم.

انسان دارای فطرت و یک سری از فطریات است. طبیعی ترین انسان کسی است که تمام فطریات او شکوفا باشد. اما در مورد بسیاری از انسان ها عوامل مختلفی از جمله، هوا و هوس ها، انحرافات فکری، گمراه گری های گمراهان، آداب و رسوم غلط، تربیت ناسالم و ... پرده ای ضخیم بر فطرت آنان می کشد و اجازه ظهور و بروز آن نمی دهد. در چنین شرایطی پیامبران با ارائه عقاید الهی و دستورات آسمانی که مطابق فطرت است سعی می کنند غبار را از فطرت انسان بزدایند و او را به حالت اولیه برگردانند. آنچه پیامبران از انسانها می خواهند، همان، بازگشت به «فطرت» و یا به تعبیر دیگر «ایمان» است.

با توجه به آنچه گفتیم می توان به این سوال پاسخ داد که چرا گاهی حیا از نتایج و ثمرات ایمان ذکر شده است و گاهی عین ایمان. حیا بخشی از فطرت انسان است و فطرت شکوفا شده همان ایمان است. این به آن می ماند که صفتی مانند اینار را گاهی ناشی از انسانیت بدانیم و گاهی عین انسانیت و یا به آن می ماند که گاهی موج را برخاسته از دریا بدانیم و گاهی خود دریا، که موج چیزی جز دریا نیست! حیا نیز موجی از امواج دریای ایمان است. البته باید گفت که منظور از ایمان در اینجا (به عنوان یکی از عوامل موثر در

---

۱ - همان، ج ۱، ص ۵۶۶، حدیث ۴۵۷۸، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۲.

تقویت حیا) ایمانی است که از دو ویژگی برخوردار باشد، یکی «نفوذ و رسوخ درقلب» و دیگری «تاثیر در عمل و رفتار». جمع شدن این دو ویژگی باعث می‌شود ایمان تاثیرگذار باشد و از انسان مومن یک انسان باحیا بسازد و گرنه به صرفه آنکه فرد، نام مومن را یدک بکشد و از ایمان واقعی برخوردار نباشد، نباید توقع داشت چنین ایمانی (ایمانی که نه در قلب جای دارد و نه در عمل) اثری به نام حیا برای او داشته باشد.

ایمان واقعی عنصری عجیب و معجزه آساست. آثار و برکات فراوانی دارد که یکی از آنها حیاست. نکته جالب آن است که ایمان چنان در حیای فرد اثر می‌گذارد که گاهی خود او نیز متوجه نمی‌شود، فقط پس از مدتی رفتارها و گفتارهای او دیده و شنیده می‌شود که فرد و اطرافیانش متوجه تغییرات مثبتی در او می‌شوند و صفت زیبایی حیا را در او مشاهده می‌کنند.<sup>۱</sup>

برای تحکیم پایه‌های ایمان باید به اموری توجه نمود از جمله:

#### **۱-۴-۱- خدا باوری**

باور قلبی به این که خداوند همواره ناظر و حاضر است: اگر آدمی باور داشته باشد که خداوند بر همه اعمال او نظارت دارد و حتی از افکار قلبی وی آگاه است، مسلماً تاثیر بسیار مفیدی در زندگی می‌گذارد. او را از کارهای خلاف که زندگی انسان را سیاه و تاریک می‌کند باز می‌دارد.<sup>۲</sup> همین باور قلبی و ایمان به وجود خدا سبب حیای از خدا و

---

۱ - کتاب حیا، زیبایی بی‌پایان، ص ۱۳۸ تا ص ۱۴۲.

۲ - سایت مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی (راه‌های افزایش ایمان به خداوند چیست؟ ۸۹/۱۰/۲۹ شناسه مطلب ۲۴۷۹۴).

محبوبیت نزد خدا می‌شود. پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امام باقر (علیه-

السلام) می‌فرمایند: «ان ... يحب الحیی» شخص با حیا را دوست دارد.<sup>۱</sup>

با دقت در داستان حضرت یوسف درمی‌یابیم که او هیچ مانعی که جلوگیری از نفس شود،

نداشته مگر اصل توحید، یعنی ایمان به خدا. حضرت یوسف در این مقام و موقعیت

حساس و خطرناک، ثبات قدم را از دست نداده و با نفس خود مجاهدتی کرده که جز از

صاحبان قوت و عزم ساخته نیست تا آن‌جا که خداوند از او تجلیل کرده.<sup>۳</sup>

#### ۱-۴-۲- معادباوری

باور کند آنچه در دنیا از خیر و شر و اعمال خوب و بد انجام می‌دهد، در سرای

آخرت پاسخشان را دریافت خواهد نمود. کیفر کارهای ناشایست را تحمل خواهد کرد.

پاداش کارهای شایسته را خواهد دید. انسان به این باور برسد که هر کس ذره‌ای کار خیر

انجام دهد، آن را می‌بیند، و هر کس ذره‌ای کار بد کرد، آن را می‌بیند.<sup>۴</sup> وقتی به این باور و

ایمان رسید حیا از ارتکاب معاصی و ترک واجبات می‌کند در واقع حیا که ثمره ایمان است

مانع از کارهای زشت و حرام می‌شود.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: به محاسبه نفس خویش پردازید پیش

از آن که به حساب شما رسیدگی شود. اما با چه معیاری خود را بسنجیم؟ پیامبر می‌فرمایند:

---

۱ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۷، حدیث ۳۱۱۰ و ۳۱۱۱ به نقل از کافی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲ - حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۱۱۵.

۳ - راه کارهای تقویت حیا در خانواده، ص ۱۲۷. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۶۷.

۴ - زلزال (۹۹)، آیه ۷/۸.

۵ - سایت پاسخگو، ص قبل.

با معیار حیا خود را بسنجید، قبل از آن که به سنجش درآیید.<sup>۱</sup> و منظور از رسیدگی به حساب در این روایت باور آخرت و روز قیامت و حسابرسی اعمال می باشد.

### ۱-۴-۳- عمل به تکالیف

باور کنید که واجبات دینی برای کمال و ترقی و جهت رسیدن به نعمت های بی پایان خدا مقرر شده و محرمات به خاطر نجات از بدبختی ممنوع گردیده است. گناهان (اگرچه به خاطر لذت بخش باشد) نه تنها به حال او مفید نیست بلکه مضر است. حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرماید: گناهان نه تنها در زندگی بشر مورد احتیاج نیست بلکه مایه فساد و باعث فنا و هلاکت است. بدین جهت از طرف خداوند ممنوع شده است.<sup>۲</sup>

وقتی انسان حقیقتاً معتقد شد که نتیجه همه اعمالش به خودش عاید می گردد، واجبات و کارهای خیر را با اشتیاق انجام می دهد و گناهان را به آسانی ترک می کند.<sup>۳</sup>

به راستی حیا جلوی بسیاری از زشتی ها و گناهان را می گیرد و به همین جهت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«حیا از ایمان است. حیا سراسر خیر و خوبی است.»

حیا چیزی است که جز خیر و خوبی و نیکی به بار نمی آورد؛ زیرا آدمی اگر حیا داشته باشد حیا او از مردم سبب می شود که کار زشت نکند تا چه رسد به اینکه از خدا نیز

---

۱ - بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۵.

۲ - کبری، ملکی سهل آبادی، جایگاه فردی و اجتماعی حیا در اسلام و ادیان دیگر، انتشارات تعاون، پیک دانش، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۲۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۸.

۴ - سایت پاسخگو.

حیا داشته باشد.<sup>۱</sup> پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: هر کس چهار خصلت به او باشد هر چه سرتا پایش گناه باشد، خدا گناهایش را به حسنه تبدیل می کند. آن چهار خصلت عبارت است از: راستگویی، حیا، خوش خویی و شکر.<sup>۲</sup> و نیز نبی اکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: صفت حیا اگر در انسان وارد شود انسان را از عموم خطاها باز می دارد و بدی ها را محور و به نیکی ها دلالت می کند.<sup>۳</sup>

#### ۱-۴-۴- خیر خواهی

آنچه را که برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد.  
رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: بنده ایمان نمی آورد مگر این که برای مردم دوست داشته باشد آن چرا برای خود دوست می دارد.<sup>۴</sup> این ایمان و حیا عامل دستیابی به تمام خوبی هاست.<sup>۵</sup>

تمام انسان ها آرزو دارند به خوبی های بیشتری دست پیدا کنند، اما راه آن را نمی دانند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «الحیاه مفتاح کل خیر» حیا کلید همه خوبی هاست.<sup>۶</sup>

---

۱ - حیا در اسلام، ص ۵۲.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳ - حیا در اسلام، ص ۵۹.

۴ - تصنیف غررالحکم، ص ۲۵۷.

۵ - حیا در اسلام، ص ۱۲۷.

۶ - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۳، حدیث ۱۲۸۶.

۷ - سایت پاسخگو.

۸ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۲، حدیث ۴۵۶۴ به نقل از غررالحکم.

آری، حیا راه دستیابی به خوبی‌هاست آن هم نه برخی از آنها بلکه تمام آنها. زیرا انسان با حیا از آنچه برخلاف رضایت و خواست منعم و پروردگار خود رفتار کند شرم و حیا دارد و با جلب رضایت خدا، خیر دنیا و آخرت را برای خود فراهم می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۱-۴-۵- خوش خلقی

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: اخلاقت را نیکو گردان تا ایمانت کامل شود.<sup>۲</sup> امام علی (علیه‌السلام) فرمود: کاملترین شما از جهت ایمان خوش اخلاق‌ترین شماست.<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: پنج چیز است که در هر کس نباشد، بهره‌درستی در او نیست. گفته شد (ای فرزند رسول خدا) آنها چیست؟ فرمود: دین، عقل، حیا، خوش‌خلقی، و باادب بودن.<sup>۴</sup> به درستی لازمه حیا خوش‌خلقی است و لازمه عقل حیاست و ثمره دین همگی این صفات است.

بنابراین باور کردن و اعتقاد تعیینی به عقاید دینی و انجام واجبات و ترک محرمات و آراسته شدن به اخلاق حسنه موجب تحکیم و تقویت پایه‌های ایمان واقعی است و نقش مهمی در ظهور و تقویت صفت زیبای حیا دارد.

---

۱ - حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۱۱۶.

۲ - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۴، حدیث ۱۳۲۰.

۳ - همان، حدیث ۱۳۲۱.

۴ - بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۳.

۵ - حیا در اسلام، ص ۱۳۱.



## ۱-۵- تعقل و تفکر

با حیا گفت مرا و چشم من روشن بدو هر که روشن دیده تر شد بیشتر دارد حیا (سنایی) یکی از عواملی که باعث می شود انسان زشتی چیزی را تشخیص دهد (تعقل) است. انسان می تواند با استفاده از عقل و اندیشه، زشتی بسیاری از امور ناپسند را تشخیص دهد و زمینه حیا کردن را در خود ایجاد نماید. در متون اسلامی نیز به ارتباط تنگاتنگ حیا و عقل اشاره شده، گویا زیربنای اصلی حیا، عقل است. برای نمونه حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را نقل می کنیم که حضرت حیا مثبت را «حیای عقل» معرفی می فرماید. قال رسول الله علیه و آله وسلم: «الحياء حياء، ان، حیای عقل و حياء حمق، فحياء العقل هو العلم و حياء الحمق هو الجهل» حیا بر دو گونه است: حیا عقل و حیای حماقت؛ حیای عقل همان علم است و حیای حماقت همان نادانی است.<sup>۱</sup>

یا در حدیثی دیگر امام صادق (علیه السلام) پس از آنکه می فرماید: «خدای برای عقل شکری قرار داد و برای جهل شکر دیگری» می فرماید: «خدا، حیا را جزو شکریان (و ابزار کار) عقل، و کم حیایی را ضد آن قرار داد.<sup>۲</sup>

البته احادیث در این زمینه فراوان است و محتوای آنان تاثیر عقل و تعقل را بر حیا و شرم به وضوح خاطر نشان می سازد. فکر کردن درباره ی نقاط و آثار منفی یک عمل ناپسند و توجه کردن به این نکته که شان و منزلت انسان برتر و بالاتر از آن است که به برخی امور

۱ - کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲ - کافی، ج ۱، ص ۲۱.

آلوده شود، همچنین توجه به این واقعیت که انجام کارهای ناپسند در نظر دیگران زشت است و شخصیت انسان را ضایع می‌کند، مقدمه بسیار خوبی برای شکوفا شدن روحیه تعمیق حیاست. والدین، مربیان، استادان و مبلغان نیز می‌توانند افراد را در این زمینه یاری دهند. افراد متدین که دارای اعتقادات مذهبی هستند، می‌توانند در تفکرات خود از این اعتقادات استفاده بسزایی ببرند.

علامه مجلسی می‌گوید:

«اگر شخصی تفکر نماید که حق تعالی حاضر است و بر فعل او مطلع است و حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مطلع می‌شوند و هر روز اعمال امت را برایشان عرضه می‌کنند و دو مَلک (فرشته) پیوسته ملازم اویند و البته بر عمل او مطلع می‌شوند و اگر حق تعالی پرده از او برگیرد، ملائکه سماوات به فعل او آگاه می‌شوند و در قیامت در حضور صدویست و چهار هزار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و گروه بی‌حد و احصا از ملائکه و سایر عباد، رسوا خواهد شد و این معنی از روی یقین و ایمان حالی او گردد، البته متوجه آن عمل نخواهد شد، همچنین در فعل اطاعات»

تفکر و تعقل از بهترین زیربناها برای صفت حیاست و آگاهانه از روی بینش و بصیرت صورت می‌گیرد.

## فصل دوم: شیوه های عملی تعمیق حیا

پس از شناخت حیا و بیان شیوه‌های نظری تعمیق حیا، شیوه‌های عملی مورد بررسی واقع می‌شود. حیا به عنوان یک مقوله‌ی اخلاقی در عمل نمود پیدا می‌کند. بنابراین مهمترین بحث برای تعمیق و نهادینه‌سازی آن بررسی شیوه‌های عملی می‌باشد. جامعه نیازهای اولیه مادی و معنوی شهروندان را تامین می‌کند. ایجاد امنیت روانی و حس خود ارزشمندی برای مردم در محدوده تامین نیازهای مادی و معنوی و روانی که باید آن را به گونه‌ای روشمند و هدفمند اجرا کند. تنها با تلاش برنامه‌ریزی شده و جهت‌دار برای نهادینه‌سازی باورهای دینی و حمایت دولت و سازمان‌های دولتی برای حفظ این باورها زمینه تامین نیازهای یاد شده فراهم می‌شود. از این‌رو فرآیند تعمیق (نهادینه سازی) حیا در جامعه را می‌توان در ۴ بخش (هدایتی، حمایتی، نظارتی، حفاظتی) بررسی کرد.

### ۲-۱- شیوه های هدایتی

پس از بررسی شیوه‌های نظری تعمیق حیا شیوه‌های عملی و اجرایی بیان می‌شود. در امور تربیتی، فرهنگی، آموزشی هدایت در رأس امور قرار داد، زیرا هر مسئله فرهنگی در صورتی پایدار و آسیب‌ناپذیر خواهد بود که مبتنی بر آگاهی و دانش باشد. برای همین منظور این بخش در ۲ بعد فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین گام برای هدایت به منظور تعمیق حیا، هدایت اعضای جامعه است که اصلی‌ترین و مهمترین هدف این تحقیق است. در خانواده (والدین) و در جامعه (مربیان) با نقش تربیتی خود مهمترین کار برای هدایت جامعه برای نهادینه کردن حیا را می‌توانند به خوبی

ایفا کنند. بدین منظور مبحث شیوه‌های هدایتی را ابتدا با تربیت و سپس با آموزش و پرورش به توضیح می‌پردازیم و سپس با شیوه تبلیغ و اطلاع رسانی که نقش خوبی در هدایت افراد مختلف جامعه دارد و در آخر مبحث فعالیت‌های فرهنگی و هنری را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

## ۲-۱-۱- تربیت

رعایت مسایل اخلاقی و حفظ حریم حیا در رفتار و گفتار از سوی والدین و مربیان، الگوی تربیتی مناسبی برای تربیت هیامدارانه‌ی فرزندان است. والدین و مربیان باید تلاش نمایند از حرکات و کلماتشان بوی خوش حیا به مشام برسد. این رویه به مرور، بذر حیا را در عمق جان فرزندان می‌کارد. رفتار آنها باید به گونه‌ای باشد که فرزندان آنان را افرادی باحیا بدانند و در ذهن خود از آنان توقع رفتار خلاف نداشته باشند. اگر تربیت بر اساس حیا باشد نسل با حیا جامعه‌ای با حیا به وجود می‌آورند.

یکی از این نویسندگان با ذکر این مطلب با عنوان «مراقبت‌های لازم در زمینه تربیت جنسی» اهمیت موضوع را نشان داده و می‌نویسد: مراعات اصل مهم حیا در کلیه امور زندگی خانوادگی از طرف پدر و مادر می‌تواند محیط را برای زندگی و پرورش نوجوانان امن و بی‌خطر سازد... عفت در کلام، ... نقل نکردن داستان‌ها یا لطیفه‌ها و شوخی‌های مربوط به امور جنسی، آشکار نکردن چگونگی مناسبات زناشویی و سعی در مخفی کردن آنها... (اموری است که باید مراعات شود).<sup>۱</sup>

---

۱ - فرزانه، صمدی، بلوغ و دگرگونی‌های آن، تهران: ایران نگین، بهار ۱۳۷۷ش، ص ۷۸.

مهمترین و اصلی‌ترین کار برای نهادینه سازی حیا اصل تربیت است که بر عهده‌ی مربیان و والدین می‌باشد. برای آن‌که موضوع روشن‌تر شود برخی از نکاتی که لازم است والدین و مربیان رعایت نمایند ذکر می‌کنیم.

#### **۲-۱-۱-۱-۱-۱ رفتار در ظاهر**

برای تربیت فرزندان باحیا لازم است که فرزندان از والدین خود رفتاری از سر ادب و حیا در مواجهه با دیگران در پوشش و رفتار آنها ببینند و برای همین لازم است والدین حیا را در رفتارهای ظاهری خود چه در نهان و چه در عیان رعایت کنند.

#### **۲-۱-۱-۱-۱-۱ پوشیدگی کامل**

منظور از پوشیدگی کامل، آن پوششی است که به نسبت محیطی که در آن قرار دارند کامل به حساب بیاید، زیرا مثلاً پوشش کامل در خانه با غیر خانه متفاوت است. همان‌گونه که پوشش کامل زن با مرد متفاوت است. توجه داشته باشیم که پوشش کامل با پوشش عادی و معمولی تفاوت دارد، زیرا هر دو منافاتی با حیا ندارند، ولی اولی بیانگر حیای بیشتر است. رعایت پوشش کامل از سوی الگو و مربی می‌تواند بر حیای فرزند اثر مثبت بگذارد، لذا افرادی که می‌خواهند روحیه‌ی حیا در فرزندان و همنشینان آنان تقویت شود لازم است با اتخاذ این روش (استفاده از پوشش کامل) گامی در این جهت بردارند.

#### **۲-۱-۱-۱-۱-۲ ابراز حیا**

ابراز حیا یعنی نشان دادن احساس شرم و حیا از خود در هنگام مواجه شدن با امور زشت. این عمل، آموزش عملی حیا به فرزندان، مربیان و همنشینان است. هرچه ابراز حیا

واقعی تر و قوی تر باشد تاثیر بیشتری دارد. بنابراین والدین و مربیان می‌توانند در هنگام مواجه شدن با امور زشت، شرم خود را نه تنها مخفی نکرده، بلکه آشکار کنند.

این ابراز حیای والدین (به عنوان یک عکس‌العمل) می‌تواند در هنگام انجام حرکات زننده یا بازگو کردن لطیفه‌ها و حوادث مربوط به امور جنسی یا رفتار بی‌شرمانه با بزرگترها و یا فحاشی کردن صورت گیرد و مربیان هرگاه دیدند شخصی در حضور آنان یکی از رفتارهای فوق را انجام می‌دهد، از خود حالت شرم و حیا «بروز» دهند. حتی اگر این رفتارهای ناپسند از تلویزیون، سینما یا هر یک از رسانه‌ها در حال نمایش بود، ابراز شرم از سوی والدین و مربیان می‌تواند موثر باشد.

یکی از موارد ابراز حیا هنگام سخن گفتن است. والدین و مربیان می‌توانند در هنگام سخن گفتن هر گاه به موضوع یا واژه‌ای رسیدند که خلاف حیاست، آگاهانه به گونه‌ای سخن بگویند که مملو باشد حیا نمی‌گذارد آنها پرده‌داری کنند و رک صحبت نمایند. سربسته سخن گفتن، حذف برخی کلمات و جملات، حرکات چهره (مانند به هم گذاشتن چشم‌ها که از علائم احساس شرم است) و مواردی از این قبیل می‌تواند بیانگر حیای گوینده و نوعی ابراز حیا به حساب بیاید، همان‌گونه که قطع کردن سخن کسی که بی‌توجه، از جاده حیا خارج شده، از همین قبیل است.

## **۲-۱-۱-۲- رفتار با نامحرم**

رفتار توأم با شرم در مقابل نامحرم از نهادهای حیاست و هرگاه این رفتار از فردی که الگو تاثیرگذار است سر بزند، در روحیه طرف مقابل (فرزند یا متربی) موثر است. لذا

انان که می‌خواهند فرزندانی با حیا تربیت کنند لازم است لاقبل در مقابل او با نامحرم رفتاری توأم با حیا داشته باشند.<sup>۱</sup> تا این رفتار در او نهادینه شود. در قرآن و روایات معصومین توصیه‌هایی درباره رعایت حدود محرم و نامحرم شده است که به برخی اشاره می‌شود.

## ۲-۱-۱-۱-۲- پرهیز از اختلاط زن و مرد

یکی از مسائلی که اسلام بر آن تأکید ورزیده و در پیدایش حیا و عفت عمومی تاثیر فراوان دارد، قرار دادن حریم بین زن و مرد است. اسلام درعین حال که با حضور زنان و فعالیت اجتماعی آنان در جامعه مخالفتی ندارد و آزادی فردی و اجتماعی آن را به رسمیت شناخته است، به منظور اشاعه‌ی عفت و حیا و مصون بخشی، توصیه‌ها و مقرراتی را در رابطه زن و مرد وضع کرده است.

خداوند متعال در نقل از فراز از داستان حضرت موسی که به دروازه شهر مدین رسیده بود، داستان دو زن را یادآور می‌شود که دورتر از مردانی که برای آب دادن به دام-های خود اطراف چاه حلقه زده بودند و تنها به جمع و جور کردن گوسفندان‌شان مشغول بودند، وقتی حضرت موسی داستان آنان را جویا می‌شود، آنها می‌گویند: تا زمانی که مردان از دور چاه پراکنده نشوند (و ما نمی‌توانیم بدون اختلاط با مردان گوسفندان‌مان را سیراب بسازیم) به آب‌کشی نمی‌پردازیم. و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنها دو زن را دید که مراقب

---

۱ - حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند، موسی) به آنها گفت کار شما چیست؟  
(چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟) گفتند ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی  
خارج شوند و پدر ما پیرمرد مسنی است.<sup>۱</sup>

این آیه مهر تاییدی بر دوری از اختلاط میان مردان و زنان است.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۱-۱-۲- پرهیز از خلوت با نامحرم

از جمله مواردی که انسان را به حیا و پاکدامنی نزدیک می‌کند پرهیز از خلوت با  
نامحرم است. زیرا شیطان در بزنگاه‌های حساس به ویژه هنگام خلوت با نامحرم حضور  
پررنگ دارد و انسان را به مصیبت و گناه وسوسه می‌کند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله-  
وسلم) می‌فرماید: هیچ مردی نباید با زنی خلوت کند. مردی نیست که با زنی خلوت کرده  
مگر اینکه شیطان سومین از آن دو است.<sup>۳</sup>

خلوت با نامحرم آنقدر از نظر اسلام ناپسند و خطرناک است که رسول اکرم از یک  
سو مردان امت خود را چنین مخاطب قرار داده‌اند: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان  
دارد، نباید در جایی که نفس زن نامحرم را می‌شنود بیتوته (سکنی) نماید.<sup>۴</sup>

---

۱ - قصص (۲۸)، آیه ۲۳.

۲ - ابوالمحسن حسن، حرجانی، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، ج ۷، ص ۶۷. ابوالفتوح رازی، روض  
الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۳ - محمد بن نعمان، اکبری بغدادی (شیخ مفید)، الامالی، قم: موسسه نشر اسلامی، دوم ۱۴۰۴، ص ۳۱۵.

۴ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، قم: موسسه آل‌البیت احیا التراث، ۱۴۰۹، ص ۱۸۵.



و از سوی دیگر آن حضرت در جریان بیعت خود با زنان از آنها بیعت گرفت که:

هرگز با مردان نامحرم خلوت نکنند و در محیط‌های تنها با آنان نشینند.<sup>۱</sup>

نجات از گناه و حفظ پاکدامنی در هنگامه خلوت با نامحرم، بسیار سخت و دشوار است که تنها معدود انسان‌هایی می‌توانند به این امر موفق شوند. چه بسیار مردان عبادت پیشه‌ای که در رویارویی با زنان زیبا روی، آبرو و شرم از کف داده‌اند. و چه بسیار زنانی که در خلوت نامحرمان پرده عفت دریده‌اند. در دشواری خویشتن‌داری از گناه در خلوت نامحرمان همین بس که بگوییم نبی اکرم حتی یحیای مظهر حیا و مریم اسطوره‌ی شرم را مبدا از قصد گناه ندانسته‌اند.

چنانکه در بیان ذیل فرموده‌اند: هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر آنکه یکی از آنها به دیگری قصد سوء کند. عرض شد: ای رسول خدا! حتی اگر آن دو نیکوکار باشند؟ حضرت فرمود: حتی اگر مریم دختران عمران، و یحیی پسر زکریا باشد.<sup>۲</sup>

البته این بیان نه بدان معناست که واقعا این نمادهای عفت و عصمت، دامن به گناه آلوده می‌ساختند، بلکه برای تعیین خطرناک بودن خلوت با نامحرم است که بدان اشاره شده.<sup>۳</sup>

---

۱ - ممتحنه؛ ۱۲. ۲ - کلینی، کافی، ج ۵، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۹۱، ص ۵۲۶؛ ۳ - عبدالکریم، پاک نیا، عفاف سرچشمه زیبایی، ص ۱۲۱، قم: نورالزهر، سوم، ۱۳۹۰.

۲ - کافی، ج ۵، ص ۵۲۶.

۳ - جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۱۵۱.

## ۲-۱-۱-۲-۳- وقار در رفتار و گفتار

وقار برای هر انسان خردمند و روشن بین، به خصوص مومن یکی از کمالات نفسانی محسوب شده و برای کسانی که نقش تربیتی برای تربیت پذیران خود دارند از لوازم اولیه و ابتدائی، جهت ایفای نقش موثر تربیتی به شمار می‌رود. از این لحاظ پدر و مادر بعد از پایان دوران کودکی فرزندان، باید در برابر آنها به خصوص در مواقع حساس مانند کنار یکدیگر نشستن یا شوخی، وقار و سنگینی خود را حفظ کنند تا تربیت آنها بی‌ثمر نماند. والدین باید سعی کنند تا تمام منظره‌های جنسی اعم از برهنگی، نیمه عریانی، شوخی‌های محرک و گفتگوی مهیج را از کودک بپوشانند و آگاه باشند که هر اندازه سن کودک بیشتر و او به تمیز دادن نزدیک باشد آشکار شدن این امور برای او خطرناک‌تر است. وقار در قالب‌های مختلفی در آیات و روایات مورد سفارش قرار گرفته است.

### الف) پرهیز از شوخی با نامحرم

می‌توان دیگران را به خنده واداشت، ولی حریم‌ها و حدود را نشکست. امام محمدباقر (علیه‌السلام) ابا بصیر را به خاطر شوخی با زن نامحرم توبیخ می‌کنند و از وی می‌خواهند دیگر مرتکب این کار نشود و این در حالی است که او به آن زن قرآن یاد می‌-

داد.<sup>۱</sup>

بر اساس روایات کسی که با زن نامحرمی دست بدهد دست بسته وارد محشر می‌شود، آن‌گاه امر می‌شود که او را به آتش بیفکنند و کسی که با زنی که متعلق شرعی به او

---

۱ - محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۱، قم: موسسه آل‌البیت، اول ۱۴۰۴، ص ۴۰۴.

نیست بخندد و بخنداند خدا در مقابل هر کلمه که با او سخن گوید هزار سال او را حبس می‌کند.<sup>۱</sup>

### **(ب) عدم خضوع در مقابل نامحرم**

تکبر از همه انسان‌ها مذموم است مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم. زن در حرف زدن در مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.<sup>۲</sup>

در آیا شریفه قرآن کریم به طور موکد در مورد نحوه گفتار زنان با نامحرم دستوراتی آمده است آنجا که می‌فرماید: «فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قطن قولاً معروفاً»<sup>۳</sup> (با خضوع در گفتار سخن نگوئید که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گوئید.)

مخاطب نخست آیه‌ی شریفه، زنان رسول خدا هستند و سپس تمام زنان مومن. علامه طباطبائی می‌نویسد: معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نمود. شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل،

---

۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

۲ - محسن، کربلایی نظر و دیگران، زن و بازیابی هویت حقیقی، ص ۱۴۲. (گزیده بیانان مقام معظم رهبری، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).

۳ - احزاب (۳۳)، آیه ۳۲.

نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت حرام باز می-  
دارد.<sup>۱</sup>

به بیان دیگر شرع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم، آنان را به حصار  
امن تقوی دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن  
نگه دارند، چرا که نوع سخن گفتن زن از بی حجابی و بدحجابی نیز یکی اغوا کننده تر است  
و به همین دلیل، خداوند متعال همسران پیامبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است. نکته  
دیگر در این آیه شریفه این است که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد، حتی کلامی چنین  
آلوده به دعوت های باطل دلش را به هوس نمی اندازد، چرا که آیه شریفه می فرماید: «فیطمع  
الذی فی قلبه مرض» یعنی اگر زن بی تقوایی کند و حجاب در گفتار را رعایت ننماید، تنها  
مردان بیمار دل هستند که در دام شیطان می افتند و مردان باتقوا در قلعه ای ایمان در امانند.

در روایت است که امام علی (علیه السلام) دوست نداشت به زنان جوان سلام کند و  
می گفت: می ترسم صدای آنان مرا به وجد آورد و گنااهش بیش از ثوابش باشد.<sup>۲</sup>

وقتی امام معصوم این قدر احتیاط می کند، تکلیف دیگران روشن است، زیرا این  
احتیاط به حال خانواده و جامعه مفید است، هر چند ممکن است خوش آیند بعضی از افراد  
نباشد.

---

۱ - محمد حسین، طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، سوم، ۱۴۱۷، ص ۴۸۲.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

## ج) با وقار راه رفتن

قرآن کریم از راه رفتنی که موجب جلب توجه دیگران و نمایاندن خود و زیورهای خویش به بینندگان می‌شود نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْتَبِرْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»<sup>۱</sup>. و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنید تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود و صدای خلخال‌هایی که بر پا دارند به گوش برسد.

شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می‌گوید: «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای آن‌که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم به زمین می‌کوفتند. از این دستور می‌توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می‌گردد؛ مانند استعمال عطرها، تند و زننده و همچنین آرایش‌های جالب نظر در چهره ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد»<sup>۲</sup>.

برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقد هستند آن چه در این بخش از آیه شریفه از آن نهی شده است، آشکار شدن هر گونه زینت در زیبایی‌های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می‌باشد. از سوی دیگر زینت پنهان می‌تواند پوشیدن لباس‌ها

---

۱ - نور (۲۴)، آیه ۳۱.

۲ - مرتضی مطهری، مسأله حجاب، تهران: نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳، ص ۱۴۵.

و زینت‌های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر، آن زینت‌ها آشکار شده و ناقض حجاب می‌گردد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم با ستایش از طرز راه رفتن دختر حضرت شعیب در معابر عمومی در برابر نامحرم می‌فرماید: «فجاءته احداهما تمشی علی استحیار»<sup>۲</sup> یکی از آن دو دختر به سراغ موسی آمد در حالی که با نهایت حیا قدم برمی‌داشت.<sup>۳</sup>

#### **(د) عدم توصیف زن نزد نامحرم**

یکی از اموری که در آموزه‌های دینی مورد توجه فراوان قرار گرفته است اینکه اجازه داده نشده که زنان در برابر مردان نامحرم مورد توصیف یا تعریف قرار گیرند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره فرموده‌اند: کسی که زنی را در برابر مردی توصیف نماید و زیبایی‌های او را یادآور شود به راستی مرد را به گناه و فتنه می‌اندازد و موجب عصیان او می‌گردد. توصیف کننده از دنیا با غضب الهی خارج می‌شود و هر کس خداوند بر او غضب داشته باشد، آسمان‌های هفت‌گانه و زمین بر او غضب می‌کنند. البته اگر توبه نماید و اصلاح کند؛ خداوند توبه‌پذیر است.<sup>۴ و ۵</sup>

---

۱ - محمد، شجاعی، در و صدف، قم: محیی، پنجم ۱۳۸۵، ص ۱۷۷.

۲ - قصص (۲۸)، آیه ۲۵.

۳ - فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۸۸. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۹، تفسیر هدایت، ج ۹، ص ۲۸۱.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۴.

۵ - جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۱۴۹ تا ۱۵۷.

## ۲-۱-۱-۳- رفتار والدین

اگر می‌خواهیم فرزندانمان با ادب و حیا با ما رفتار کنند لازم است شاهد باشد که ما نسبت به والدین خودمان (که پدربزرگ و مادربزرگ آنها هستند) رفتاری از سر ادب و حیا داریم، چه زمانی که در حضور ایشان هستیم، چه وقتی که در غیاب آنها در موردشان صحبت می‌کنیم.<sup>۱</sup>

در اینجا برخی از موارد حیای فرزندان با والدین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱-۱-۳- رعایت حقوق والدین

تعبیرات قابل توجهی در قرآن کریم هست که بر حیای گفتاری و رفتاری فرزند در برابر پدر و مادر اشاره می‌کند و اهمیت این مساله را به خوبی روشن می‌کند. از جمله در آیه «واعبدوال... و لاتشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا»<sup>۲</sup> وظیفه شما بعد از پرستش خدا این است که نسبت به پدر و مادر خود احسان کنید. «بالاترین چیزی که بر عهده‌ی هر انسانی واجب است پرستش خدا است از این بالاتر تکلیفی وجود ندارد ولی به دنبال این تکلیف و بن بلافاصله می‌فرماید به والدین هم احسان کنید.<sup>۳</sup>

در آیات دیگر مواردی از حیای در گفتار و رفتار با والدین ذکر شده است: «فلاتقل لهما اف و لاتنهرهما»<sup>۴</sup> یکی از موارد مشابهی که پدر و مادر احتیاج به فرزند دارند مکلف

---

۱ - حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۱۳۷.

۲ - نساء (۴)، آیه ۳۶.

۳ - اسماعیل، گوهری، ارزش پدر و مادر، ص ۱۲، چاپ پنجم، تهران: کعبه، ۱۳۷۱.

۴ - اسرا (۱۷)، آیه ۲۳.

است اخلاق و شرع این حقوق را رعایت کند، هنگام پیری پدر و مادر است. ممکن است در جوانی در امور مالی یا غیرمالی نیازی به فرزند نداشته باشد، ولی هنگام پیری نمی‌تواند مانند اشخاص جوان در زندگی تلاش و فعالیت داشته باشند زیرا پیری در بسیاری از موارد توأم با سستی و ضعف و مرض و دیگر لوازم پیری است و بنابراین در ایام پیری احتیاج به پرستاری دارند. ممکن است در برخوردهای ایام پیری پدر و مادر در مواردی اوقات فرزند تلخ شود و حوصله‌اش سر رود و در نتیجه اظهار انزجار و خستگی کند. قرآن کریم در این مورد بخصوص تاکید می‌کند که در برخوردهایی که با پدر و مادر پیر دارید اظهار خستگی نکنید و آخ نگویید.» طوری نباشید که احساس کنند از خدمت کردن به آنان خسته شده‌اید و به ایشان نهیب زنید: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»<sup>۱</sup> بزرگوارانه با آنها سخن بگویید. یعنی نهایت ادب و احترام با آنها را نگه دارید. همچنین می‌فرماید: از روی مهربانی بال ذلت را در مقابل آنان فرود آورد نیز هنگامی که دعا می‌کند و از خدا چیزی می‌خواهی برای پدر و مادر دعا کن. «وقل رب ارحمهما کما ربیبانی صغیراً»<sup>۲</sup> ذیل آیه دلالت بر این نکته که فرزند باید تا این حد نسبت به پدر و مادر احسان کند و حقوقشان را رعایت نماید زیرا وقتی که فرزند کودکی خردسالی بود و نمی‌توانست نیازهای خود را تامین کند ایشان بودند که او را پرورش دادند و با کمال مهربانی نیازهایش را برطرف ساختند.<sup>۳</sup>

---

۱ - اسراء، آیه/۲۳

۲ - اسراء، آیه/۲۴.

۳ - فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، بیروت دارالمعرفه، ج ۶، ۱۴۰۸، ص ۶۲۹.



یکی از موارد حیای در برابر پدر و مادر که روایات به آن اشاره شده، این است که فرزند نگاهش به آنها تند و خیره نباشد و در راه رفتن جلوتر از آنها حرکت نکند و در سخن گفتن صدایش را فراتر از آنها نبرد و بالاخره نافرمانیشان نکند.<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الحیاء غضُّ الطرف»<sup>۲ و ۳</sup>

### ۲-۱-۱-۱-۲- اجازہ گرفتن هنگام ورود به اتاق والدین

کودکان باید با اجازہ وارد اتاق پدر و مادر شوند. در این زمینه قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید غلامان و کودکان نابالغ شما، در شبانه روز سه موقع باید با اجازہ قبلی به اتاق شما وارد شوند. قبل از نماز صبح، و نیمه روز که لباس هایتان را برای استراحت بیرون می آورید و پس از نماز عشا که برای خوابیدن به بستر می روید، این سه وقت برای شما عورت و سرّ است.»<sup>۴ و ۵</sup>

از آیه فوق چنین استفاده می شود که حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است، زیرا کودکان نابالغ طبق آیه تنها در سه وقت موظف به اجازہ گرفتن هستند، چون زندگی آنان با زندگی پدر و مادران آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازہ بگیرند مشکل خواهد بود و از این گذشته احساسات جنسی آنها هنوز به طور کامل بیدار نشده، ولی

---

۱ - محمود، اکبری، مروارید عفاف، قم، ظفر، سوم، ۱۳۸۳، ص ۵۰.

۲ - عبدالواحد، آمدی، غررالحکم و دررالحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۶، ص ۲۵۹.

۳ - جلوه های حیا در روابط خانوادگی، ص ۱۱۵.

۴ - نور (۲۴)، آیه ۵۸.

۵ - وسائل الشیعه ج ۱۴، ص ۱۵۹.

نوجوانان بالغ طبق این آیه که اذن گرفتن را به طور مطلق برای آنها واجب دانسته موظفند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند.

این حکم مخصوص به مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و گر نه وارد شدن به اتاق عمومی مخصوصا هنگامی که دیگران هم در آنجا حاضرند، و هیچگونه مانعی و رادعی در کار نیست اجازه گرفتن لزومی ندارد. در حدیثی آمده که فردی از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید: آیا مرد برای وارد شدن بر پدرش باید از او اجازه بگیرد؟ امام فرمود: بله من هم برای ورود بر پدرم اجازه می‌گرفتم، در حالی که مادرم فوت کرده بود و پدرم همسری اختیار کرده بود و من نوجوان بودم. شاید آنها در خلوتشان رفتاری داشته باشند که دوست ندارند آنها را در آن حین غافلگیر کنم و آنها هرگز این رفتار مرا دوست ندارند. راه درست، اجازه گرفتن و سلام کردن است.<sup>۱</sup>

البته این مساله در قرآن اختصاص به اتاق والدین ندارد بلکه فرد باحیا برای ورود به هر خانه‌ای اجازه ورود می‌خواهد.<sup>۲</sup> در حالات رسول خدا می‌خوانیم که وقتی می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه (سلام‌الله‌علیها) شود بیرون در می‌ایستاد و اجازه می‌گرفت، یک روز جابر بن عبدالله با او بود، پس از آنکه برای خود اجازه گرفت برای (جابر) نیز اجازه گرفت.<sup>۳ و ۴</sup>

---

۱ - عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالتقلین، قم المطبعة العلمیه، ج ۳، ۱۳۸۳، ص ۵۸۶.

۲ - نور (۲۴)، ۲۷ و ۲۸.

۳ - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، ص ۴۰۰.

۴ - جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۱۱۳ تا ص ۱۱۸.

## **۲-۱-۱-۴- رفتار فرزندان**

فرزندان نیز در روابط خود با یکدیگر باید حیا و پاکدامنی را رعایت کنند و از به زبان آوردن هر سخنی یا انجام دادن هر عملی که زمینه‌ساز بی‌حیایی خود یا فرزندان دیگری می‌شود بپرهیزند. برخی از موارد حیای فرزندان با یکدیگر که در آموزه‌های دینی به آن توصیه شده عبارتند از:

## **۲-۱-۱-۴-۱- رعایت پوشش مناسب**

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، فرزندان باید در خانه دارای پوشش مناسب باشند و از عریان شدن در برابر یکدیگر و پوشیدن لباس‌های نیمه عریان پرهیز کنند. حیا فضایل خیلی بالاتر از پوشش است و اگر ما از بچگی این تمرین حیا را در فرزندانمان حتی نسبت به خواهران و برادرانشان انجام دهیم، خیلی از مشکلات حل می‌شود. درست است خواهر نسبت به برادر محرم است و از نظر پوشش محرمیت دارد، اما از نظر حیا چه؟ ما نمی‌گوییم خواهر نسبت به برادر مثلاً موهایش را بپوشاند، اما هر جوری هم نباید جلوی پسرمان حرکت کنند.

## **۲-۱-۱-۴-۲- جداسازی بستر خواب فرزندان از یکدیگر**

امروزه خیلی از فضاهای فساد در جامعه از داخل خانه‌ها شروع می‌شود؛ گاهی خانواده آن‌قدر غافل می‌شوند که بین فرزندان هم فساد ایجاد می‌شود لذا در فرهنگ



مخاطبان، متن آموزشی، روش آموزشی، برای برنامه ریزی آموزشی باید هر سه بخش را شناخت.

مخاطبان آموزش می‌تواند فرد باشد یا خانواده یا جامعه که در بخش بدنه اصلی جامعه به آن پرداختیم. بدیهی است هر فرد آموزش دیده نیز با افراد دیگر، تفاوت‌های سنی، تحصیلی و فرهنگی دارد که این تفاوت‌ها در انتخاب نوع آموزش موثر است.

برای تعمیق حیا در این زمینه می‌توان از رسانه‌ها، مجتمع‌های آموزشی، و هر مکانی که افراد در بیرون از خانواده با آن ارتباط دارند، بهره بگیرد و مخاطبان فردی را آگاه سازد. همچنین در بخش خانواده می‌تواند کتاب را در سبد فرهنگی خانواده‌ها قرار دهد یا از رسانه ملی برای رشد سطح داشته‌های آنان استفاده کند. در بخش جامعه نیز با صدور بخش‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های اداری، وارد عمل می‌شود.

در زمینه متن‌های آموزشی، بررسی محتوای متن‌ها، ضرورت دارد. تجزیه و تحلیل نسل‌ها، متفاوت است. از این نسل امروز به نسبت نسل پیشین، به دانشی روزآمد نیاز دارد. ادیبان نسل‌ها باهم متفاوت است. امروزه به علت وجود برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های ملی و فراملی، نرم‌افزارهای آموزشی و بازی‌های فکری و آموزشی، تصحیح و تغییر متن‌ها ضرورت دارد. درباره‌ی روش‌های آموزش نیز به تناسب ویژگی‌ها و نیازهای نسل‌های جدید، امکانات آموزشی و ابزار موجود می‌توان روش مناسب را برگزید.

آموزش و پرورش فعالیت‌های هدایتی و ارشادی خود را می‌تواند در موارد زیر سامان‌دهد کند. بررسی و اصلاح کتاب‌های درسی و قرار دادن موضوع‌ها و الگوهای مربوط به حیا، به صورت جذاب، نامحسوس و متناسب با موضوع کلی درس، لازم است. استفاده

از عکس‌هایی که غیرمستقیم از فرهنگ حیا و حجاب یاد کنند و این فرهنگ را بستایند، و آموزش احترام به والدین و حیا در روابط اجتماعی جزو کارهای مهم به شمار می‌آید. این حرکت، به دانش‌آموز می‌فهماند که تنها در جامعه‌های عفیف و باحیا می‌توان پیشرفت کرد. توجه به پس‌زمینه کتاب‌های کودکان و نوجوانان و بهره‌مندی از تصاویر با حیا و باحجاب برای شخصیت‌های منطقی و دانا و معرفی الگوها و اسوه‌های حیا در اسلام و تاریخ و نیز گردآوری درس‌ها به صورت گفت‌وگوهای دینی، بخشی از اصلاحات متون آموزشی است. تشکیل کلاس‌های آموزشی یا نشست‌های هدفمند علمی با موضوع حیا و یا دیگر موضوع‌های دینی مرتبط، با مدیریت استادان فرهنگ و اندیشه دینی، کار دیگری است که در این نشست‌ها باید انجام شود. بهتر است تمام شبهه‌ها و نظرهای مخالف مطرح و سپس به آن‌ها پاسخ داده شود.

تشکیل نشست‌های علمی درون سازمانی، در هر آموزش‌گاه و مجتمع آموزشی به تناسب سن مخاطبان و تبلیغات مناسب و قرار دادن امتیازهایی برای جلب توجه مخاطبان (دانش‌آموزان) یکی دیگر از راه‌کارهاست. این حرکت در دانشگاه‌ها انجام می‌شود و دانشجویان بسیاری جذب شده‌اند و اندیشه آن‌ها را جهت داده است. جهت دادن به پژوهش‌های دینی دانش‌آموزان و پشتیبانی مالی و معنوی از پژوهش‌ها نیز سودمند است.

نکته مهم و قابل توجه در بخش هدایتی، آموزش درست و به دور از افراط و تفریط و متناسب با دانستیهای دینی است. برای مثال، در مقوله حیا و عفاف، با عنصر شهوت روبرو می‌شویم که تبیین جایگاه هر یک از این عنصرها، ضروری است. گفته‌اند که عقلانیت اسلامی، قوه شهوت را به طور ذاتی ناپسند نمی‌داند، بلکه سرکشی شهوت باعث

تباهی انسان می‌شود. نقش شهوت افزون بر تداوم نسل در تشکیل علایق جمعی (مانند خانواده) و تلطیف روابط انسان‌ها بسیار مهم است و موجب پرورش قوه خیال و تحرکات احساسی می‌شود و سرکوب آن نیز به سستی، خشونت یا دل‌مردگی می‌انجامد. پس ساختار آموزش و پرورش در این زمینه نیز باید بر اساس هدف‌های آفرینش باشد.

به طور کلی، نقش اصلی هدایت در آموزش و پرورش، با مفهوم شناسی علمی و آشنایی با قلمرو و محدوده موضوع‌های مربوط به فرهنگ حیا و عفاف آغاز می‌شود و پس از بیان تعریف مناسب و کارشناسانه، به عرضه محصول‌های آموزشی مکتوب و غیرمکتوب می‌انجامد و شیوه‌ها و روش‌های آموزش مستقیم و غیرمستقیم، تحلیل و بررسی می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۳- تبلیغ و اطلاع رسانی

برای هر گروه سنی از تبلیغ می‌توان سود جست. از این‌رو، تبلیغ، نسبت به آموزشی، کارآمدتر است. حوزه‌های علمیه و مدرسه‌های مذهبی، متولیان تبلیغ در کشورهای اسلامی و حتی در جامعه دینی غیراسلامی هستند. امروزه دنیا بر محور تبلیغات می‌چرخد. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با بیان چنین مطلبی اهمیت تبلیغ را به ما مسلمانان گوشزد فرمودند: «الذین یبلغون رسالات ا... و یخشونه و لا یخشون احدا لا ا...»<sup>۲</sup> کسانی که رسالت‌های الهی را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا ترسی ندارند.

---

۱ - مقاله فرهنگ عفاف و حجاب، راه‌کارهای و نهادینه سازی، گسترش و حفظ باورهای دینی با رویکرد بررسی اختیارات و وظایف دولت اسلامی. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، منبع: مجله پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۸۶ شماره ۱۸۴ و ۱۸۵

۲ - احزاب، ۳۹.

معرفت و درک جایگاه، پیامبرانه تبلیغ، مبلغ را برای انجام آن مسئولیت خطیر، مهیا می‌سازد. مبلغان دینی در عرصه‌ی تبلیغ حیا می‌توانند از چند شیوه استفاده کنند که اینجا مختصر بیان می‌شود.

### **۲-۱-۳-۱- شیوه‌های گفتاری**

این شیوه که در واقع تبلیغ چهره به چهره را هم شامل می‌شود از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تبلیغ است. در این نوع تبلیغ علاوه بر کلام و سخنان رفتار مبلغ را نیز برای مخاطب به نمایش می‌گذارد و در این شیوه باید تنها گفتار طبق حیا نباشد بلکه در عمل و رفتار نیز نمود یابد تا مخاطب تاثیرپذیرد. از نمونه کارهای این تبلیغ می‌توان به حضور مبلغان در پای منبر و کلاس‌های درس و محافل و جلسات گروهی و خصوصی پرسش و پاسخ دینی و رفع شبهات اشاره کرد که مبلغان می‌توانند با تبیین آثار و پیامدهای بی‌حیایی و مقایسه آن با آثار و پیامدهای حیا در جامعه و الگوسازی از اسوه‌های حیا در اسلام مخاطبین را هدایت کنند.

### **۲-۱-۳-۲- شیوه‌های نوشتاری**

شیوه‌های نوشتاری برخلاف شیوه‌های گفتاری تاثیر فوری و آنی ندارد ولی ماندگارتر است. در این شیوه مبلغ می‌تواند با انواع شگردهای نوشتاری بر هدایت مخاطبان و خوانندگان بپردازد. امروزه با توسعه ارتباطات و فناوری و افزایش راه‌های برقراری ارتباط علاوه بر کتاب و مجلات و نشریات می‌تواند از شبکه‌های اینترنتی و مجازی استفاده کند.



## ۲-۱-۳-۳- شیوه‌های رفتاری

یکی از موثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تبلیغ در عرصه دینی شیوه‌های رفتاری است که از شیوه‌های هدایت پیامبران و ائمه (علیه‌السلام) بوده است. در این شیوه خود مبلغ دینی با رفتار و عمل خود که طبق قرآن و گفته‌های معصومین می‌باشد به جذب مخاطبان می‌پردازد با رفتارهای ظاهری و عملکردهای باحیای مبلغان، مخاطبان به درک و شناخت بیشتر حیا پی می‌برند و از نموده‌های حیا بیشتر آگاه می‌شوند. در این شیوه باید گفتار و رفتار و پوشش مبلغ نموده‌هایی کاملی از حیا باشد تا تاثیر عمیق‌تری داشته باشد.

## ۲-۱-۴- فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری

انتشار نشریه و کتاب، تشکیل میزگردهای ادبی، فراخوان مقاله، تعیین موضوع حیا و عفاف برای انشا و پرسش مهر، به کارگیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و ... آثار مثبتی دارند. تولید برنامه‌ها و فیلم‌های مفید و آموزشی نیز در رادیو و تلویزیون اثری فراگیر دارد.

رعایت کامل پوشش رفتار دینی بانوانی که در فیلم‌های سینمایی تلویزیون بازی می‌کنند یا عکسی که با پوشش اسلامی در صفحات مطبوعات به چاپ می‌رسد، آثار مثبتی دارد چنان که پوشش‌ها و رفتارهای غیرشرعی نیز آثار زیان‌بار و گسترده‌ای بر فرهنگ جامعه دارد.

اساساً حضور زنان پوشیده در صحنه‌های مختلف جامعه، آثار مثبت چشم‌گیری در همگانی کردن فرهنگ حجاب اسلامی در جامعه دارد. پخش آیات، روایات و کلمات

حکمت‌آمیز و تصاویر الهام‌بخش درباره‌ی حیا و عفاف در محیط‌های عمومی، تابلوهای شهری و محیط‌های مناسب دیگر به تقویت این فرهنگ می‌انجامد.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- شیوه‌های حمایتی

پیش از شیوه‌های هدایتی، حمایت از افراد جامعه موثرترین راه برای نهادینه سازی است. حمایت به منظور تقویت روحیه افراد و تشویق آنها در جامعه می‌تواند بر روی دیگران هم تاثیر بگذارد؛ بنابراین از مهمترین شیوه‌های حمایتی می‌توان به تشویق و تنبیه پرداخت و نیز در گستره‌ی فعالیت‌های فرهنگی جامعه می‌توان حمایت‌های مادی و معنوی از برنامه‌سازان فرهنگی و متولیان این امور کرد تا در عرصه‌های دینی نیز فعالیت درخشان‌تری داشته باشند.

## ۲-۲-۱- تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه برای تکامل اخلاقی فرد یا جامعه مکمل یکدیگرند و گرنه انسان فکر می‌کند انجام گناه برای او خطری ندارد و یا ممکن است روحیه یأس و ناامیدی به خود بگیرد. به همین دلیل، انبیاء الهی با دو روش تبشیر و انذار به تربیت اخلاقی مردم پرداختند.<sup>۲</sup> قرآن به شیوه‌ی تبشیر و انذار، انسان را بین رجاء و خوف نگه می‌دارد، تا ضمن ترس از عواقب خطرناک اعمال غیراخلاقی و نادرست، به رحمت خداوند نیز امیدوار باشد.

---

۱ - وبلاگ حجاب برتر، ۸ راهکار ترویج حجاب، امید وطن دوست، (دی، ۲۶، ۱۳۹۳).

۸- [Hejab.Hayatebartar.ir](http://Hejab.Hayatebartar.ir) / ۱۶۸۲- راهکار- ترویج- حجاب، *html*.

۲ - بقره/۲۱۳. کهف/۵۶.

پیامبران مبعوث شدند تا مبشر و نذیر باشند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِرًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى... بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا وَ مُنِيرًا» ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده! و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم و چراغی روشنی بخش»<sup>۱</sup>.

بنابراین، حاکم اسلامی و مسئولان فرهنگی، اولیا و مربیان به پیروی از پیامبران، با استفاده از نیرو و امکاناتی که وجود دارد، به شیوه‌ی بشارت به وعده‌ها و ترساندن از وعیدهای الهی روی آوردند و به هدف اجرای مدیریت صحیح و موثر و نیز به تبعیت از قرآن و تأسی جستن بدان، در برابر اخلاق و اعمال ارزشی باحیای دیگران، به ویژه کودکان بی تفاوت نباشند، بلکه آنان را به صورت مادی و معنوی مورد تشویق و توجه قرار دهند و علاوه بر آن از روش انذار نیز غافل نشود تا ارزش اخلاقی و دینی، بهتر در اعمال دل آحاد مردم نفوذ کند و بدین وسیله، نسبت به نهادینه سازی حیا در جامعه گام‌های موثری بردارند.

### ۲-۲-۲- حمایت مادی و معنوی از برنامه‌سازان فرهنگی

یکی از مهمترین آثار فرضیه سالم‌سازی در اقتصاد، حمایت گسترده است. در حوزه‌ی نهادینه‌سازی فرهنگ نیز حمایت‌های گسترده موجب سالم‌سازی این عرصه می‌شود. حمایت دولت و مردم از برنامه‌سازان فرهنگی در زمینه نهادینه‌سازی و گسترش فرهنگ حیا و عفاف را می‌توان از ۲ جنبه مادی و معنوی بررسی کرد. حمایت از متولیان امور فرهنگ

---

۱ - احزاب/۴۵ و ۴۶.

دینی و مبلغان از نظر مالی و در نظر گرفتن بودجه متناسب با نیازهای فرهنگی دینی کشور جز حمایت‌های مالی دولت است و ارتقای شغل مدیران متعهد و پای‌بند به برنامه‌سازی فرهنگ دینی، بزرگ داشت و نکوداشت فعالان فرهنگ دینی در خانواده، در نظر گرفتن تسهیلات برای آنان و گسترش تشویق‌ها به سطح جامعه و خارج از خانواده، جز حمایت‌های معنوی دولت به شمار می‌رود. گفتنی است در این زمینه ایجاد کانون‌ها و موسسه‌های حمایتی نیز مناسب به نظر می‌رسد. اگر این حمایت‌ها در جامعه صورت پذیرد، نهادینه‌سازی حیا مؤثرتر و سودمندتر واقع می‌شود بدیهی است اگر امکانات مالی و معنوی برای چاپ و پخش آثار معنوی و مرتبط با فرهنگ دینی به ویژه فرهنگ سازی در زمینه حیا و عفاف فراهم باشد و اهل اندیشه، قلم و هنر، به حمایت دولت اطمینان داشته باشند، جهت‌گیری پژوهش‌ها و نمایشگاه‌های هنری به سمت فرهنگ دینی و نهادینه‌سازی حیا کشیده خواهد شد. در یک کلام می‌توان گفت حمایت از پروژه‌های بزرگ فرهنگی و همکاری و تعامل با موسسه‌های دینی جز وظیفه‌های اصلی دولت اسلامی برای احیا و نهادینه‌سازی حیا می‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۲-۳- شیوه‌های نظارتی

در زندگی انسان، لایه‌های متعددی از نظارت وجود دارند که رفتار و پندار بشر را زیرنظر دارند. در واقع، وقتی حیا برانگیخته می‌شود که ناظری وجود داشته باشد و نظارت او درک شود. البته صرف وجود نظارت به عنوان واقعیتی خارجی، برای برانگیختن حیا

---

۱- مقاله فرهنگ عفاف و حجاب، راه کارها و نهادینه سازی، گسترش، حفظ باورهای دینی.

کافی نیست، حیا هنگامی برانگیخته می‌شود که نظارت موجود از طرف شخص «درک» شود. پس «درک نظارت موجود» مهمتر از وجود نظارت است. کسانی که نظارت موجود را درک نمی‌کنند، حیا نیز نمی‌کنند. بر همین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که راه برانگیختن حیا در افراد، متوجه دادن به نظارت است، به همین جهت، معصومان (علیه‌السلام) پیوسته مردم را به نظارت خداوند و فرشتگان توجه می‌داده‌اند.<sup>۱</sup> حیا براساس نوع ناظرها به ۵ قسم تقسیم می‌شود.

### ۲-۳-۱- حیا بر اساس ناظر

### ۲-۳-۱-۱- حیای از مردم

ملموس‌ترین نظارت، نظارت انسان‌هاست. شاید بتوان گفت بیشترین درصد اوقات زندگی فرد، با هم‌نوعان او می‌گذرد. تقریباً همیشه کسانی هستند که حضور داشته باشند. و اگر کاری از انسان سرزند شاهد آن باشند. دوست، هم‌شاگردی، همسر، همسفر، همکار و ... اگر نقش‌هایی از زندگی هر انسانی رسم شود. می‌توان پراکندگی حضور دیگران را در جنبه‌های مختلف زندگی وی مشخص ساخت. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «من لم یستحی من الناس لم یستحی من الله... سبحانه»<sup>۲</sup> هر کس از مردم حیا نکند از خداوند نیز حیا نمی‌کند. از آن حضرت در جای دیگر آمده: «شرالاشرار من لایستحیی من»-

---

۱ - عباس، پسندیده، غنچه‌های شرم، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۶، ص ۱۲.

۲ - غررالحکم، ص ۲۵۷.

الناس و لا يخاف ا... سبحانه»<sup>۱</sup> بدترین مردم کسی است که از مردم حیا نمی‌کند از خدا نمی‌ترسد.

## ۲-۳-۱-۲- حیا از خود

حیای از خود یکی از مصادیق تمامیت مکارم اخلاق است؛ حیای از خود در اوج معارف دینی قرار دارد و این مساله نشان از اتصال دینی ما با وحی الهی دارد. حیای از خود به این معناست که آن قدر انسان برای خود ارزش و کرامت داشته باشد که در خلوت خویش نیز خجالت بکشد کار زشتی انجام دهد؛ حتی اگر کس دیگری هم مشاهده نکند.<sup>۲</sup>

امام علی (علیه‌السلام) درباره این نوع حیا می‌فرماید: «احسن الحياء استحياءك من نفسك»<sup>۳</sup> بهترین حیا، حیای از خود است. در روایت دیگری از آن حضرت حیای از خود از ثمرات ایمان معرفی شده است. «حيا الرجل من نفسه ثمره الايمان»<sup>۴</sup> حیای انسان از خودش، میوه ایمان است و همچنین آن حضرت فرموده‌اند «من استحيى من الناس و لم يستحي من نفسه، فليس عند نفسه قدر»<sup>۵</sup> کسی که از مردم حیا کند ولی از خودش حیا نکند، برای خودش ارزش قائل نیست.

---

۱- غررالحکم، ص ۲۵۷.

۲ - حیا، ص ۳۱ و ۳۲.

۳ - علی بن محمد، لثی واسطی، عیون الحکم والموعظ، ص ۴۷۲. عبدالواحد آمدی، همان کتاب، ج ۳۱۱۴.

۴ - غررالحکم، ج ۶۳۶۹.

۵ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۵، (بیروت، درالحیاء التراث، دوم، ۱۳۸۷).

ناظر ارزشمندی در درون ما وجود دارد که ناشناخته مانده است. این گوهر را باید شناخت و قدرش را دانست. کسانی که از خود حیا نمی‌کنند، خود خویش را نیافته‌اند و به ارزش آن پی نبرده‌اند.

### **۲-۳-۱-۳- حیات از حجت‌های خداوند**

حجت‌های خداوند از جنس بشرند؛ اما این انسان‌های ارزشمند، دارای دو حضور و دو نظارت‌اند. نوع اول، حضور فیزیکی است و از این جهت، با لایه اول نظارت که مردم بودند تفاوت ندارد. در این حالت، حجت‌های خداوند نیز همانند مردم، بر کار دیگرانی که در حضور آنان‌اند، نظارت دارند. این قسم از نظارت، مربوط به دوران حیات معصومان و ظهور آنان در میان مردم است. اما نوع دوم حضور و نظارت آن، حضوری است که متوقف بر وجود جسمانی آنان نیست و با عدم آن پایان نمی‌یابد. این نوع نظارت، در چند حالت وجود دارد، یکی نظارت معصومان در زمان حیات و ظهورشان نسبت به کسانی است که در کنار آنان نیستند؛ چرا که نظارت معصومان در زمان حیات و ظهورشان محدود به کسانی نمی‌شود که در محضر آنان بوده، در دایره دید بصری آنان قرار دارند بلکه از حال دیگر بندگان نیز آگاهی دارند هر چند در جای دیگری باشند. حالت دوم، مربوط به دوران حیات و غیبت آن بزرگواران است. در این حالت، حجت خداوند، حیات و حضور دارد، اما ظهور ندارد و در غیبت به سر می‌برد. لذا، مردم، ایشان را نمی‌بینند؛ ولی او مردم را می‌بیند. از دید مردم، این نوع نظارت، نظارت مخصوص و حضور فیزیکی نیست. اما حالت سوم، نظارت معصومان پس از حیات شریفشان است. نظارت حجت‌های خداوند، نه محدود به حیات و

ظهور آنان است و نه محدود به حضور ناپیدای آنان؛ بلکه حتی پس از مرگ نیز بر رفتار مردم، نظارت داشته و از آن آگاهی دارند. این قسم، همان چیزی است که از آن به عنوان عرض (عرضه شدن) اعمال یاد می‌شود. بنابراین در همه حالت‌ها و فرض‌ها معصومان بر رفتار و پندار مردم نظارت دارند و به همین جهت، از حجت‌های خداوند به عنوان شاهد اعمال یاد شده است.<sup>۱</sup>

خداوند متعال می‌فرماید: «و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ رَسُولٌ عَلَيْكُمْ شَهِدًا»<sup>۲</sup> این چنین، شما را امت میانه قرار داده‌ایم تا شاهد بر مردم باشید و پیامبر بر شما ناظر باشد.

امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر «امت وسط» فرموده است: «نحن الامه الوسطی، و نحن شهداء... علی خلقه و حججه فی ارضه»<sup>۳</sup> ما هستیم امت میانه و ماییم شاهدان خداوند بر خلقش و حجت‌های او در زمینش» در آیه دیگری آمده است: «وقل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون»<sup>۴</sup> بگو عمل کنید که خداوند و پیامبرش و مومنان اعمال شما را خواهند دید. در این آیه از نظارت خداوند و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله-

---

۱- عباس، پسندیده، پژوهشی در فرهنگ حیا، تهران: دارالحدیث، هشتم، ۱۳۹۳، ص ۶۸.

۲ - بقره (۲)، آیه ۱۴۳

۳ - کافی، ج ۱، ص ۱۹۰. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۵۷.

۴ - توبه (۹)، آیه ۱۵/.



وسلم) و اهل ایمان، سخن گفته شده است. امام صادق در تفسیر آن می‌فرماید: «مراد از اهل ایمان، ما (یعنی ائمه معصومین) هستیم»<sup>۱</sup>.

این آیات و روایات، به خوبی نظارت حجت‌های الهی را بر اعمال بشر، بازگو کردند و پرده از این واقعیت برداشتند. بر اساس این باور، اگر انسان، نظارت این حجت‌های الهی را درک کند، هنگام گناه، حیای او برانگیخته می‌شود. با تاکید بر این نکته که این‌جا صحبت از «درک حضور» است، نه «توهم حضور» و نه «ایجاد حضور». ما نه حضور غیرموجودی را به وجود آوریم و نه وجود آن را توهم می‌کنیم، بلکه واقعیتی را درک می‌کنیم. این درک حضور، از عواملی است که می‌تواند «شرم» را برانگیزد. امام صادق (علیه‌السلام) بر این رابطه تصریح دارد و می‌فرماید: «ان اعمال العباد تعرض علی رسول .. کل صیاح ابرارها و فجارها فاحذروا فلیستحی احدکم أن یرعرض علی نبیه العمل القبیح»<sup>۲</sup> هر بامداد، کارهای بندگان از نیک و بد، به رویت رسول خدا می‌رسد؛ بنابراین به هوش باشید.

هر یک از شما باید شرم کند که کار زشت بر پیامبرش عرضه کند.

ناپیدا بودن حجت‌های الهی و نامحسوس بودن نظارت آنان، درک حضورشان را برای غالب مردم، مشکل می‌سازد و در عوض، برخی امور است که حضور آنان را پررنگ ساخته، توجه انسان را برمی‌انگیزد و درک نظارت آنان را تسهیل می‌کند. برخی زمان‌ها در این امر، تاثیر دارند. مثلا ایام ولادت یا شهادت حجت‌های الهی و یا عیدهایی که به نحوی

---

۱ - کافی، ج ۱، ص ۲۱۹. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۷.

۲ - علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، چهارم، ج ۱، ۱۴۶۷، ص ۳۰۴. محمد بن حسن، طوسی، الامالی، قم: دارالشفاه، اول، ۱۴۰۴، ص ۴۰۹.

با یکی از آنان ارتباط پیدا می‌کند، حضور آنان در ذهن و روان مردم را پررنگ می‌سازد. مردم در این ایام، سعی می‌کنند حرمت معصومان را بیشتر نگه دارند و به همین جهت، از انجام دادن بسیاری از کارها شرم می‌کنند. بعضی مکان‌ها منتسب به معصومان نیز همین تاثیر را دارد. برخی افراد سعی می‌کنند در حرم حجت‌های الهی و حتی در نزدیکی این مکان‌های شریف، از کارهای ناروای خود، دست بکشند. مثلاً در زمان طاغوت، مشاهده می‌شد که برخی خانم‌های بی‌حجاب، وقتی به نزدیکی شهرهای مقدس می‌رسیدند، سر خود را با روسری می‌پوشاندند و وقتی به حرم امامان یا امام‌زادگان می‌رسیدند، چادر بر سر می‌کردند. مکان‌های مقدس و حرم‌های مطهر حجت‌های الهی، حضور بیشتری را از آنان تجلی می‌دهد. به همین جهت، گرامیداشت یاد آنان و تجلیل از آنان، نقش مهمی در حفظ حضورشان در یاد انسان دارد. همچنین رفتن به حرم‌های مطهر پیشوایان الهی و زیارت مرقد آنان، حضورشان را در زندگی انسان پررنگ می‌سازد و درک نظارت آنان را تسریع و تسهیل می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲-۳-۱-۴- حیا از فرشتگان

خداوند متعال فرشتگانی دارد که ناظر بر اعمال بشرند و هر آنچه را آنان انجام می‌دهند، ثبت می‌کنند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و إِنَّ عَلَیْكُمْ لِحَافِظِیْنَ كِرَامًا كَاتِبِیْنَ،

---

۱ - پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۶۸ تا ۷۳.

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ»<sup>۱</sup> و قطعاً بر شما نگهبانانی گماشته‌اند، فرشتگان بزرگواری که نویسنده اعمال شما هستند. آنچه را انجام می‌دهید، می‌دانند.

فلسفه وجودی این فرشتگان، برانگیختگی حیا در انسان است، نه کمک به خداوند برای آگاهی از اعمال بندگان. خداوند از همه چیز آگاه است. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: خداوند، فرشتگان را برای این کار به بندگی گرفته است و آنان را شاهد بر خلق خود قرار داده تا بندگان خدا به خاطر همراه فرشتگان با آنان، مواظبت شدیدتری بر طاعت خداوند و گریز شدیدتری از معصیت او داشته باشند چه بسا بنده‌ای که قصد معصیت کرده ولی یادآور مکانت و جایگاه فرشتگان می‌شود و در نتیجه، مراعات کرده دست می‌کشد و می‌گوید پروردگارم مرا می‌بیند و فرشتگان نگهبان من، شاهدند.<sup>۲</sup> در این روایت، به فرآیندی اشاره شد که دارای چند مرحله وابسته به هم است، اول قصد معصیت به مردم، یادآوری نظارت فرشتگان، سوم به وجود آمدن حالت رعایت، چهارم دست کشیدن و پنجم مرور آن. جمله این فرآیند شرم و حیا، به جهت یادآوری حضور فرشتگان به وجود می‌آید. از این رو، یکی از شیوه‌های اولیای دین، این است که برای تصحیح و تنظیم رفتار مردم، آنان را به حضور فرشتگان توجه می‌داده‌اند. این شیوه را می‌توان از جمله شیوه‌های شناختی دانست.<sup>۳</sup>

---

۱ - ق (۵۰)، آیه ۱۸.

۲ - احمدبن علی، طبرسی، الاحتیاج، ج ۲، تهران: دارالاسوه، اول ۱۴۱۳، ص ۹۵. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۵، ص ۳۲۳، ج ۵۹، ص ۱۷۹.

۳ - پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۷۶.

## ۲-۳-۱-۵- حیا از خداوند

لایه پنجم نظارت، نظارت خداوند متعال است. خداوند متعال، عالی‌ترین و فراگیرترین نظارت را دارد. نظارت خداوند، نقص‌های نظارت‌های پیشین را ندارد. خداوند در هر مکانی و در هر زمانی وجود و حضور دارد. هیچ مکانی و هیچ زمانی بدون حضور خداوند نیست. در قرآن کریم آمده است: «هو معکم اینها کتتم وا... بما تعملون بصیر»<sup>۱</sup> او با شماست، هر جا که باشید، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

بر اساس همین همراهی است که قرآن کریم می‌فرماید هیچ نجوایی از خدا پنهان نیست: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ... يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا حِضٌّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ... بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup> آیا نمی‌بینی خداوند به آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، آگاه است؟ هیچ نجوای سه نفره‌ای نیست، مگر آن‌که او چهارمین است و هیچ نجوای پنج نفره‌ای نیست، مگر آن‌که او ششمین است و نه کمتر از این و نه بیشتر، مگر این‌که او با آن‌هاست، هر جا که باشند.

به همین جهت امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْحَيَاءِ إِسْتِحْيَاؤُكَ مِنْ

۱...»<sup>۳</sup> برترین حیا، حیا تو از خداوند است.<sup>۴</sup>

---

۱ - حدید (۵۷)، آیه/۴.

۲ - مجادله (۵۸)، آیه/۷.

۳ - غررالحکم، ح ۳۱۱۲.

۴ - جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۴۷ تا ۵۴.

آیا انسان‌ها باید در جامعه احساس کنند که در قبال دیگران مسئولیتی دارند و باید بر رفتار یکدیگر نظارت داشته باشند یا نه؟ شاید هیچ جامعه‌ای را نتوان یافت که بهره‌ای از تمدن برده باشد، اما در میان مردم آن چنین احساسی وجود نداشته باشد.

انسان باید در قبال رفتار دیگران احساس مسئولیت کند، اما مراقب چنین احساس مسئولیتی در جوامع گوناگون، براساس نظام ارزشی حاکم بر آن، متفاوت است، مصادیق کار خوب و بد در جوامع مختلف براساس نظام‌های ارزشی آنها، متفاوت است و مرتبه حساسیت مردم در قبال رفتار دیگران، به نوع جهان‌بینی و نگرش آنان درباره انسان و جامعه انسانی بستگی دارد.

مکتب انبیای الهی و به خصوص دین مقدس اسلام، نگرش جامعه‌گرایی دارد و آن را تقویت می‌کند، دین اسلام می‌کوشد به گونه‌ای انسان را تربیت کند که در همه مراحل زندگی، به کل انسان‌ها به خصوص اعضای جامعه اسلامی نظر داشته باشد. برای مثال، در نماز که یک عبادت فردی است و در قرائت سوره حمد، شخص نمازگزار در مقام اظهار عبودیت، خطاب به خدا نمی‌گوید: «من تو را می‌پرستم» بلکه می‌گوید: «ایاک نعبد» ما تو را می‌پرستیم. اگر انسان در نیمه‌های شب به تنهایی در محراب عبادت می‌ایستد و نماز می‌خواند، باید بگوید: «ما تو را می‌پرستیم» اگر مسلمانی در بیابانی که هیچ انسانی نیست، به تنهایی به نماز بایستد، باید بگوید «ایاک نعبد و ایاک نستعین» یعنی ما فقط تو را می‌پرستیم و ما تنها از تو کمک می‌خواهیم. مومنان باید همدیگر را در کنار خود ببینند. همچنین هنگامی که نماز تمام می‌شود، نمازگزار می‌گوید: «السلام علینا و علی عباد... الصالحین، السلام علیکم و رحمہ... و برکاتہ» سلام بر شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و گفتن

السلام علیک ایها النبی و نیز به جهت شخصیت برجسته پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله - وسلم) و امتیاز جداگانه‌ای است که آن حضرت دارند. اما نماز با «السلام علیک ایها النبی» تمام نمی‌شود، بلکه با السلام علینا و علی عباد... الصالحین. السلام علیکم ورحمه ا.. وبرکاته» تمام می‌شود. انسان در نماز، همواره مومنان را در کنار خود می‌بیند، و نیز هنگامی که می‌خواهد از نماز خارج شود باز هم بر همه مومنان سلام کند. این تربیت اسلامی است. در تمام دستورات اسلامی، چه عبادت‌های فردی و چه عبادت‌های اجتماعی، در مسائل اقتصادی، اجتماعی، تربیتی، و حتی در جهاد، دفاع و در همه جا، مسلمان باید خود را با سایر مومنان شریک و همراه بداند. اقتضای تربیت خاص اسلامی چنین است.

در زندگی اجتماعی، انسان نمی‌تواند فقط منفعت خود را ببیند و فقط به کار خود توجه داشته باشد و در کار دیگران دخالت نکند. هنگامی که انسان دید، فردی به جامعه ضرر می‌زند، باید دست او را بگیرد و او را از این عمل بازدارد. در اینجا جامعه به این فرد اجازه نمی‌دهد که بگوید اینجا جای خود من است، خانه خود من یا شهر خود من است، بلکه وقتی فردی به همه زیان می‌رساند، هر قدر هم این جامعه فردگرا باشد، دست کم برای محافظت از منافع شخصی افراد، در کار او دخالت می‌کند و مانع ضرر زدن او به جامعه می‌شود.

در نتیجه: در جوامعی نیز که فردگرایی به نحو کامل بر آن حاکم است، نظارت عمومی مردم تا حدی وجود دارد. اسلام مردم را به گونه‌ای تربیت می‌کند که همیشه به فکر دیگران باشند. در امور اجتماعی نیز که افراد با یکدیگر رابطه ندارند، نظارت اجتماعی فقط به امور مادی محدود نمی‌شود، بلکه مسلمانان باید به امر معنوی نیز توجه داشته باشند. اگر

کسی کاری انجام می‌دهد که موجب فساد معنوی جامعه می‌شود، باید وی را از آن کار نهی کرد. حتی در امور معنوی نهی از منکر لزوم بیشتری دارد؛ زیرا آنچه به روح انسان و امور معنوی او باز می‌گردد، مهمتر از مادیات و اموری است که به جسم و دنیای او مربوط می‌شود. مادیات فانی و تمام شدنی‌اند؛ اما امور معنوی باقی و پایدار هستند؛ همان‌طور که صحیح نیست در مقابل کسی که می‌خواهد خود را از بالای پل به درون رودخانه اندازد تا غرق شود، یا در آتش بیندازد و خود را بسوزاند؛ زیرا وجدان انسان اجازه نمی‌دهد که بگذارد شخصی فقط به این دلیل که خودش خواسته است، بر ضد خود هر کاری بکند.

اگر بینی که نابینا و چاه است      اگر خاموش بنشیننی گناه است

در حالی که نهی از دیگران، از امور دنیایی و مادی، که ضرر و درد آنها موقعی و تمام شدنی است ضرورت دارد، درباره گناه، که موجب عذاب ابدی می‌شود، به طریق اولی لازم است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ»<sup>۱</sup> هرگاه پوست تن آنها پخته شود و بسوزد، آن را با پوست‌های دیگر جایگزین سازیم تا عذاب را بچشند.

طبق فرمایش خداوند متعال، این روند که کافران در جهنم می‌سوزند و پوست آنها بر اثر سوختن خاکستر می‌شود و دوباره بر بدن ایشان پوست جدیدی می‌روید، تمام شدنی نیست. اینان افرادی هستند که از فرمان خدای تعالی سرپیچی کرده و مرتکب گناه شده‌اند. وقتی شما می‌بینید کسی چنین گناهی مرتکب می‌شود که سرانجام آن، صدها مرتبه بالاتر از

---

۱- نساء (۴)، آیه ۵۶.

این است که آن فرد خود را در آتش این دنیا بیندازد و او را از گناه دور نسازد. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر در اسلام فقط به ضررهای مادی باز نمی‌گردد، بلکه اسلام می‌گوید جلوی گناه را هم بگیرید؛ زیرا گناهکار به عذاب ابدی آخرت دچار می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین اگر زمینه فرهنگی در جامعه ایجاد شود، امر به معروف و نهی از منکر معنا پیدا می‌کند و با عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر حیا در جامعه نهادینه می‌شود.

فاصله نظارت و دخالت بسیار اندک است و دولت باید متوجه این فاصله باشد و بدون دخالت در امور نهادها به نظارت بر تولید محصول فرهنگی بپردازد. سپس داوری را باید به قوه قضائیه بسپارد و برای حفاظت و مبارزه با مفاسد و منکرات، به نهادهای مربوط هماهنگ باشد.

مهمترین نقش‌های نظارتی در جامعه عبارت است از:

### **۲-۳-۲- نظارت بر ورودی‌های فرهنگی و هنری**

ورودی‌های فرهنگی و هنری و حتی اندیشه‌های وارداتی، در موارد بسیاری، نه تنها با باورهای عمیق دینی تناسب ندارد، بلکه گاه نوعی دین ستیزه یا دین‌گریزی در آن دیده می‌شود. سیاست استکبار جهانی بر بسیاری از محصول‌های فرهنگی وارداتی سایه افکنده و در صدد ویران کردن باورهای جامعه دینی است. بنابراین نظارت بر واردات فرهنگی و

---

۱ - محمد تقی مصباح یزدی، مقاله امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم، منبع آذرخش کربلا، انتشار شده از سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه. <https://hawzah.net/fa/articale/view/۹۵۴۰۱>



تولید محصول هنری و یافتن دست‌های آسوده می‌تواند به بهبود وضع فرهنگ دینی در جامعه اسلامی کمک کند.

### ۲-۳-۳- نظارت بر بومی‌سازی تولید محصول فرهنگی و هنری

همواره نظام فکری مبتنی بر باورهای دینی، تولید کننده آثاری است که بیانگر فرهنگ و اندیشه دینی هستند. نظارت دولت در جامعه بر برنامه‌ریزان این عرصه و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت‌های آنان می‌تواند به گسترش تولید محصول فرهنگ دینی بیانجامد و زمینه صدور آنها را فراهم سازد. این محصولات پیوسته باید زیر نظر باشند تا آنچه بیش از همه با اندیشه‌های جامعه اسلامی سازگار است، صادر شوند.

نکته مهم و قابل توجه در بومی‌سازی تولید محصول فرهنگی متناسب با شأن و فرهنگ دینی، دقت در استفاده از شیوه‌های جذاب و اثرگذار است. بهره‌گیری از نویسندگان، طراحان و کارگردانان باتجربه و آگاه، برای این حرکت فرهنگی لازم است. کار فرهنگی ضعیف، کلیشه‌ای و شعاری، نه تنها برای نسل امروز تاثیر مثبت ندارد، بلکه سبب دوری شهروندان از فرهنگ اصیل دینی می‌شوند. بنابراین، با حمایت مالی و معنوی از برنامه‌های مربوط به فرهنگ دینی و تهیه کنندگان این برنامه‌ها می‌توان محصولی سالم، موثر و جذاب را تولید و به جامعه دینی عرضه کرد و با نظارت دولت و جامعه می‌توان امیدوار بود که این برنامه‌ها و تولیدها کاستی نداشته باشند.<sup>۱</sup>

---

۱ - مقاله فرهنگ عفاف و حجاب، راه کارها و نهادینه‌سازی و گسترش و حفظ باورهای دینی با رویکرد بررسی اختیارات و وظایف دولت اسلامی .

## ۲-۴- شیوه های حفاظتی

### ۲-۴-۱- حفاظت سازمان ها از جامعه در مقابل متخلفین

آخرین شیوه در زمینه نهادینه سازی، حفظ باورهای دینی است. پیش از این بیان شد که در ۵ شیوه نهادینه سازی به ظهور بیانجامد و شیوه های شناختی، هدایتی، حمایتی و نظارتی بیان شد. مبحث نهادینه سازی با شیوه های هدایتی هم سواست و مبحث تعمیق آن با دو نقش حمایتی و نظارتی و مبحث حفظ و نگهداری نیز به نقش آفرینی حفاظتی جامعه نیازمند است. در واقع برای حفظ فرهنگ حیا که نهادینه شده و می خواهیم تعمیق بیابد. باید از راه کاری حفاظتی بهره برد. بهره گیری از نیروهای انتظامی، به کار بستن قوانین تدوین شده برای حفظ فرهنگ دینی، پی گیری اجرای آئین نامه ها و بخش نامه های مربوط و در نظر گرفتن مجازات برای متخلفان از جمله نقش حفاظتی دولت است. در این بخش، هماهنگی با دستگاه های قضائی و شوراهای حل اختلاف نیز ضروری به نظر می رسد، زیرا این دستگاه ها موظف به حفظ امنیت روانی، مالی و جانی جامعه از طریق مجازات مجرمان هستند. روشن است کسانی که به حریم عفت و حیای عمومی تجاوز می کنند و امنیت روانی جامعه را به خطر می اندازند باید مجازات شوند.

به یقین اگر، دولت اسلامی در این مرحله، جدی تر و هدفمندتر از گذشته کار کند، بنای فرهنگی ساخته شده، حفظ خواهد شد در غیر این صورت، در زمان کوتاهی ویران می شود. گفتنی است اگر حکومت اسلامی و متولیان فرهنگ دینی در مرحله نخست که نهادینه سازی باورهاست، کارشناسانه و آگاهانه عمل کنند و حقیقت وجودی درون افراد را

بشناسانند، در مرحله نهایی، مشکلات کم‌تری خواهند داشت، زیرا کسانی که به ارزش حقیقی و شرافت حیا، عفاف پی ببرند و آن را ارزشمند بینند، بهترین حافظ آن خواهند بود و در هر حالتی برای حفظ آن تلاش می‌کنند. در واقع، اگر حس، «خود ارزشمندی» در مسئله حیا و عفاف، برای جوانان به ویژه دختران ایجاد شود، فضای حاکم بر جامعه، از امنیت و سلامت و بهداشت روانی برخوردار خواهد شد.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۲- تلقین

بهترین شیوه برای حفاظت فرد از هوای نفس در پیروی کردن از دام‌های شیطان و لغزش در چاه‌های گناه شیوه تلقین می‌باشد.

رافایل روزر می‌گوید: «تلقین نوعی جریان آگاهانه است که طی آن... جمله یا عبارتی به صورت ذهنی یا آهسته تکرار می‌شود به این امید که بر اثر آن، تغییرات رفتاری یا فکری در فرد ایجاد می‌شود».<sup>۲</sup>

تذکر این مطلب لازم و ضروری است که اگر آنچه به انسان تلقین می‌شود، به نفع انسان باشد، باید آن را با آغوش باز بپذیرد و آن را نشانه‌ی ضعف تلقی نکند، زیرا تلقین-پذیری از خصوصیات ضروری انسان و بسیاری از رفتارها و اخلاق‌های پسندیده، معلول تلقین است. بنابراین صفت تلقین‌پذیری می‌تواند در خدمت تکامل انسان قرار گیرد البته تلقین کننده و تلقین شونده باید از تلقین آنچه مخالف عقل و وحی است بپرهیزد.

---

۱ - مقاله حجاب و عفاف با رویکرد نقش‌ها و وظایف دولت.

۲ - حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۱۳۱.

با توجه به تاثیر شگرف تلقین، می توان یکی از مهمترین عوامل موثر بر تعمیق حیا و حفاظت از آن دانست.<sup>۱</sup>

از نکات حائز اهمیت تلقین آن است که تلقین می تواند توسط خود فرد صورت گیرد که به آن «تلقین بنفس» می گویند. منظور ما در اینجا از تلقین به نفس آن است که شخص سعی کند زشتی آنچه را به حکم عقل و وحی ناپسند می داند بپذیرد و باور آن را در درون خود ایجاد کند، برای مثال، می تواند مکرر به خود بگوید: «دشنام دادن زشت است». من نباید این کار را انجام دهم. این روش در حفاظت از حیای نفس بسیار دشوار است.

---

۱ - رافایل رودر، ترجمه دکتر رضا جمالیان و دکتر پرویز روزبانی، تهران ویس، تئوری ها و کاربردهای هیپنوتیزم، ۱۳۶۹، ص ۷۵.

## نتیجه

۱. حیا، مهمترین عوامل حفظ بقای عمومی جامعه است که در واقع تنظیم کننده روابط اجتماعی است و موجب امنیت و آرامش و رشد و تعالی جامعه در عرصه‌های مختلف مادی و معنوی می‌شود.
۲. از دیدگاه اسلام، حیا در نظام تربیتی از جایگاه والایی برخوردار است، به طوری که در مکارم اخلاق حیا در راس همه قرار دارد و یکی از مهمترین عوامل خود نظم‌دهی نفس انسان است.
۳. نهادینه سازی یعنی عمق بخشیدن به باورها است و این عمق بخشیدن ابتدا با تقویت باورهای دینی و سپس با شناخت صحیح حیا و تقویت ایمان و تعقل و تفکر امکان‌پذیر است.
۴. از جمله شیوه‌های عملی حیا بررسی روش‌های هدایتی و حمایتی و نظارتی و حفاظتی می‌باشد که ابتدا با هدایت صحیح افراد جامعه به سمت حیا و با حمایت از متولیان امور فرهنگی و نظارت عمومی بر افراد جامعه و در آخر با حفظ و نگهداری این باور دینی، نهادینه‌سازی حیا در جامعه صورت می‌پذیرد.

## فهرست منابع و مآخذ

- قرآن.
  - نهج البلاغه.
۱. اکبری، محمود، مروارید عفاف، قم: ظفر، سوم، ۱۳۸۳.
  ۲. بانکی پور فرد، امیرحسین، حیا، اصفهان: حدیث راه عشق، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۴.
  ۳. پسندیده، عباس، غنچه‌های شرم، انتشارات دارالحدیث،: ۱۳۸۶.
  ۴. \_\_\_\_\_، پژوهشی و فرهنگ حیا، تهران: مرکز تحقیقات دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
  ۵. پاک‌نیا، عبدالکریم، عفاف سرچشمه زیبایی، قم: نورالزهراء (سلام‌الله‌علیها)، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
  ۶. حرزاده، محمد مهدی، حیا زیبایی بی‌پایان، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی، نشر شفق، ۱۳۸۳بهار.
  ۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا- زیر نظر دکتر معین- تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ش.
  ۸. رسولی اراکی، محمدعلی، حیا در اسلام، قم، انتشارات انصاریان: ۱۳۹۲.
  ۹. رودز، رافایل، تئوری‌ها و کاربردهای هیپنوتیزم، ترجمه دکتر رضا جمالیان و پرویز روزیانی، تهران: دیس، ۱۳۶۹ش.

۱۰. ملکی سهل آبادی، کبری، جایگاه فردی و اجتماعی حیا در اسلام و ادیان دیگر، تهران، نشر پیکر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۱۱. شجاعی، محمد، درو صدف، قم: محیی، پنجم ۱۳۸۵.

۱۲. صمدی، فرزانه، بلوغ و دگرگونی‌های آن، تهران: ایران نگین، بهار ۱۳۷۷ش.

۱۳. علوی، مرضیه، جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، قم، نشر هاجر، چاپ اول، بهار ۹۶.

۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.

۱۵. کربلانی‌نظر، محسن، دیگران، زن و بازیابی هویت حقیقی (گزیده بیانات مقام معظم رهبری) تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

۱۶. گوهری، اسماعیل، ارزش پدر و مادر، تهران: کعبه، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.

۱۷. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم: صدرا، چاپ بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۷۶ش.

۱۸. \_\_\_\_\_، مساله حجاب، تهران: نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳ش.

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ق.

### **کتاب عربی**

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت: دار احیاء التراث، دوم: ۱۳۸۷ق.

۳. ترمذی، محمد بن عیسیٰ، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت دارالاحیاء التراث.
۴. جرجانی، ابوالمحاسن حسن، جلاء الازهار و جلاء الاحزان، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۷.
۵. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران: دانشگاه کتابخانه نینوا، بی-تا.
۶. حلوانی، حسین بن محمد، نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، قم: موسسه الامام المهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت احیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۸. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.
۹. ری شهری، محمد مهدی، میزان الحکمه، دارالحديث، الطبعة الاولى، التنقيح الثاني، ۱۴۱۶ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعلم، ۱۴۱۲.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون الاخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۱۲. \_\_\_\_\_، الامالی، قم، موسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، خصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.



۱۴. \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن، الامالی، قم: دارالثقافه، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۶. \_\_\_\_\_، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۱۷. \_\_\_\_\_، اختیار معرفه الرجال، قم: موسسه آل‌البیت، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۲۰. \_\_\_\_\_، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۱. طبرسی، احمدبن علی، الاحتیاج، تهران: دارالاسوه، اول ۱۴۱۳.
۲۲. طبری، ابو جعفر محمدبن جریر، جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، مکتب الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم، ج ۱، بی‌جا، ۱۴۰۸ق.
۲۴. عروسی حویزی، عبدعلی‌بن جمعه، نورالثقلین، قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۳.
۲۵. عکبری بغدادی، محمدبن نعمان، (شیخ مفید)، الامالی، قم: موسسه النشر الاسلامی، فقه، ۱۴۰۴ق.

۲۶. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت:

دارالحياء التراث، ۱۳۹۵ق.

۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.

۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری صفت، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.

۲۹. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.

۳۰. مجلسی، محمد باقر، عین الحیات، حیات زیبایی بی پایان، بی جا، انتشارات محمد

محسن علمی.

۳۱. \_\_\_\_\_، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۳۲. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوه-

السقاء، چهارم، ۱۳۶۵ش.

۳۳. مصابیح الشریعه، منسوب به امام جعفر صادق (علیه السلام)، بیروت: موسسه الاعلمی

للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.

۳۴. ملامهدی نراقی، گزیده جامع السعادات، ترجمه دکتر مجتبی، انتشارات حکمت،

تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲.

## مقالات و سایتها

۱. دانشنامه حوزوی ویکی فقه [www.wikifeqh.net](http://www.wikifeqh.net) برگرفته از مقاله «حیا از منظر

آیات و روایات».

۲. جایگاه حیا در اسلام. *Bahar234.parsiblog.com* سه‌شنبه آذر ۸۶، (اسلام و نظام تربیتی انسان).
۳. روش قرآن در نهادینه‌سازی عفاف و حجاب، مجله و مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، شماره ۴۹، پاییز ۸۹.
۴. جامعه از منظر قرآن، سیدحسین فخر زارع، پژوهش نامه معارف قرآن، دوره ۵، بهار ۹۳.
۵. راه تقویت باورهای دینی (سایت پرسمان دانشجو) *akhlag.porseman.ir/content*.
۶. محبوبه، جوکار، «الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی»، نشریه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۶، ۱۳ خرداد ۸۵.
۷. راه‌های افزایش ایمان به خداوند چیست؟ (سایت مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی)، ۸۹/۱۰/۲۹، شناسه مطلب ۲۴۷۹۴. *Hppt://pasokhgoo.ir/node/۲۴۷۹۷*.
۸. فرهنگ عفاف و حجاب، راه‌کارهای و نهادینه‌سازی، گسترش و حفظ باورهای دینی با رویکرد بررسی اختیارات و وظایف دولت اسلامی. سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه *www.hawzah.net* منبع: مجله پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۸۶ شماره ۱۸۴ و ۱۸۵.
۹. وطن دوست، امیر «۸ راه‌کار ترویج حجاب» وبلاگ حجاب برتر (دی ۱۳۹۲، ۲۶) *Hijab.hayatebartar.ir/۱۶۸۲-۸-حجاب-ترویج.html*.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، مقاله امریه معروف ونهی از منکر، قرآن کریم، منبع: آذرخش کربلا، (انتشار شده در سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه).